



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سخنایی رحمت واسعه

در شش قسمت چهارده معصوم

یزوهنسی در مفهوم، اقسام
و حدود شفاعت در متون اسلامی

شیخ حسین بالاحقانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تجلی رحمت واسعه در شفاعت چهارده معصوم علیهم السلام: پژوهشی در مفهوم، اقسام و حدود شفاعت در متون اسلامی

نویسنده:

حسین بالاخانی

ناشر چاپی:

ارم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	تجلی رحمت واسعه در شفاعت چهارده معصوم علیهم السلام : پژوهشی در مفهوم، اقسام و حدود شفاعت در متون اسلامی
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۴	فهرست
۱۸	سخن مؤلف و مقدمه
۲۰	فصل اول
۲۰	بخش یک
۲۰	کلیات و مبانی شفاعت (مفهوم و ضرورت)
۲۱	مفهوم لغوی شفاعت
۲۵	بخش دو
۲۵	جایگاه شفاعت در نظام توحیدی
۲۵	(شفاعت در طول یا عرض خالقیت؟)
۳۶	بخش سه
۳۶	ضرورت و حکمت شفاعت
۳۶	(چرا خداوند مستقیماً نمی‌بخشد؟)
۴۰	بخش چهار
۴۰	شفاعت در ادیان پیشین و فرهنگ های دیگر
۴۷	فصل دوم
۴۷	بخش یک
۴۷	آیات نفی شفاعت: (بررسی آیات و توجیه آن ها)
۵۳	بخش دو
۵۳	آیات اثبات شفاعت:
۵۳	(بررسی آیاتی که شفاعت را به اذن خدا اثبات می کنند)

۵۹	بخش سه
۵۹	شفاعت پیامبران و ملائکه در قرآن
۶۳	فصل سوم
۶۳	بخش یک
۶۳	تقسیم بندی شفاعت (تکوینی و تشریعی)
۷۸	بخش دو
۷۸	شرایط شفاعت شوندگان: (چگونگی کسب لیاقت شفاعت)
۸۱	بخش سه
۸۱	محرومان از شفاعت: (بررسی روایات درباره تارک الصلاة)
۸۴	بخش چهار
۸۴	شفاعت برای گناهکاران و صالحان
۸۴	(بخشش گناه کبیره / صغیره و افزایش درجات
۸۷	فصل چهارم
۸۷	بخش یک
۸۷	شفاعت کبری و مقام محمود و یزگیهای شفاعت رسول اکرم (ص)
۹۳	بخش دو
۹۳	شفاعت ائمه اطهار (ع) و حضرت فاطمه (س)
۱۰۰	بخش سه
۱۰۰	نقش قرآن تو به عمل صالح، علماء و شهداء در شفاعت
۱۱۰	بخش چهار
۱۱۰	شفاعت در دنیا و آخرت نقش دعا و توسل در دنیا
۱۱۰	به عنوان شفاعت دنیوی
۱۱۴	فصل پنجم
۱۱۴	بخش یک
۱۱۴	نقد و بررسی شبهات شفاعت (پاسخ به چالش ها)
۱۱۸	بخش دو

۱۱۸	شبهه جواز گناه
۱۱۸	(پاسخ تربیتی و اخلاقی)
۱۲۲	بخش سه
۱۲۲	بررسی دیدگاه وهابیت و سایر فرقه های اسلامی
۱۲۲	درباره شفاعت و توسل
۱۳۷	بخش چهار
۱۳۷	فرق شفاعت با سفارشهای نامشروع دنیوی
۱۴۲	فهرست منابع
۱۴۶	درباره مرکز

تجلی رحمت واسعه در شفاعت چهارده معصوم علیهم السلام : پژوهشی در مفهوم، اقسام و حدود شفاعت در متون اسلامی

مشخصات کتاب

سرشناسه : بالاخانی، حسین، 1382-

عنوان و نام پدیدآور : تجلی رحمت واسعه در شفاعت چهارده معصوم علیهم السلام : پژوهشی در مفهوم، اقسام و حدود شفاعت در متون اسلامی/تحقیق و تالیف حسین بالاخانی.

مشخصات نشر : قم : انتشارات ارم، 1404.

مشخصات ظاهری : 180 ص.

شابک : : 978-622-66-7781-3

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

عنوان دیگر : پژوهشی در مفهوم، اقسام و حدود شفاعت در متون اسلامی.

موضوع : شفاعت (اسلام)

(Intercession (Islam*

شفاعت (اسلام) -- احادیث

Intercession (Islam) -- Hadiths*

چهارده معصوم -- توسل

Fourteen Innocents of Shiite -- Invocation*

رده بندی کنگره : BP222/7

رده بندی دیویی : 297/44

شماره کتابشناسی ملی : 10387811

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

سرشناسه

:

بالاخانی،

حسین، 1382-

عنوان و نام پدیدآور

:

تجلی رحمت واسعه در شفاعت چهارده معصوم علیهم السلام: پژوهشی در مفهوم، اقسام و حدود شفاعت در متون اسلامی/تحقیق و تالیف حسین بالاخانی.

مشخصات نشر

:

قم

: انتشارات ارم، 1404.

مشخصات ظاهری

:

180

ص.

شابک

:

978-622-7781-66-3:

وضعیت فهرست نویسی

:

فيا

عنوان ديگر

:

پژوهشی

در مفهوم، اقسام و حدود شفاعت در متون اسلامی.

موضوع

:

شفاعت

(اسلام)

Intercession*

(Islam)

شفاعت (اسلام) -- احاديث

Intercession*

Islam) -- Hadiths)

چهارده معصوم -- توسل

Fourteen*

Innocents of Shiite -- Invocation

رده بندی کنگره

:

BP222/7

رده بندی دیویی

:

297/44

شماره کتابشناسی ملی

:

10387811

اطلاعات رکورد کتابشناسی

:

فیا

شناسنامه کتاب

نام کتاب: تجلی رحمت واسعه در شفاعت چهارده معصوم علیهم السلام

نویسنده: شیخ امیر حسین بالاخانی

چاپ: اول/ 1404

تیراژ: 100 جلد

شابک: 978-622-7781-66-3

ناشر: نشر ارم

ص: 2

سخن مؤلف و مقدمه. 6

فصل اول، بخش یک، کلیات و مبانی شفاعت (مفهوم و ضرورت) 8

مفهوم لغوی شفاعت.. 9

بخش دو، جایگاه شفاعت در نظام توحیدی

(شفاعت در طول یا عرض خالقیت؟) 13

بخش سه، ضرورت و حکمت شفاعت

(چرا خداوند مستقیماً نمیبخشد؟) 24

بخش چهار، شفاعت در ادیان پیشین و فرهنگ های دیگر. 28

فصل دوم، بخش یک

آیات نفی شفاعت: (بررسی آیات و توجیه آن ها) 35

بخش دو

آیات اثبات شفاعت: (بررسی آیاتی که شفاعت را به اذن خدا اثبات می کنند) شفاعت به "اذن خدا": (تأکید بر شرط اصلی پذیرش شفاعت) 41

بخش سه، شفاعت پیامبران و ملائکه در قرآن. 47

فصل سوم، بخش یک

تقسیم بندی شفاعت (تکوینی و تشریحی) 51

بخش دو، شرایط شفاعت شوندگان: (چگونگی کسب لیاقت شفاعت) 66

بخش سه، محرومان از شفاعت: (بررسی روایات درباره تارك الصلاة) 69

بخش چهار، شفاعت برای گناهکاران و صالحان

(بخشش گناه کبیره / صغیره و افزایش درجات.. 72

فصل چهارم، بخش یک

شفاعت کبری و مقام محمود و ویژگیهای شفاعت رسول اکرم (ص) 75

بخش دو، شفاعت ائمه اطهار (ع) و حضرت فاطمه (س) 81

بخش سه، نقش قرآن تو به عمل صالح، علماء و شهداء در شفاعت.. 88

بخش چهار، شفاعت در دنیا و آخرت نقش دعا و توسل در دنیا

به عنوان شفاعت دنیوی.. 98

فصل پنجم، بخش یک، نقد و بررسی شبهات شفاعت (پاسخ به چالش ها) 102

بخش دو، شبهه جواز گناه، (پاسخ تربیتی و اخلاقی) 106

بخش سه، بررسی دیدگاه وهابیت و سایر فرقه های اسلامی

درباره شفاعت و توسل. 110

بخش چهار، فرق شفاعت با سفارشهای نامشروع دنیوی.. 125

فهرست منابع. 129

ص: 4

سخن مؤلف و مقدمه. 6

فصل اول، بخش یک، کلیات و مبانی شفاعت (مفهوم و ضرورت) 8

مفهوم لغوی شفاعت.. 9

بخش دو، جایگاه شفاعت در نظام توحیدی

(شفاعت در طول یا عرض خالقیت؟) 13

بخش سه، ضرورت و حکمت شفاعت

(چرا خداوند مستقیماً نمیبخشد؟) 24

بخش چهار، شفاعت در ادیان پیشین و فرهنگ های دیگر. 28

فصل دوم، بخش یک

آیات نفی شفاعت: (بررسی آیات و توجیه آن ها) 35

بخش دو

آیات اثبات شفاعت: (بررسی آیاتی که شفاعت را به اذن خدا اثبات می کنند) شفاعت به "اذن خدا": (تأکید بر شرط اصلی پذیرش شفاعت) 41

بخش سه، شفاعت پیامبران و ملائکه در قرآن. 47

فصل سوم، بخش یک

تقسیم بندی شفاعت (تکوینی و تشریحی) 51

بخش دو، شرایط شفاعت شوندگان: (چگونگی کسب لیاقت شفاعت) 66

بخش سه، محرومان از شفاعت: (بررسی روایات درباره تارك الصلاة) 69

بخش چهار، شفاعت برای گناهکاران و صالحان

(بخشش گناه کبیره / صغیره و افزایش درجات.. 72

فصل چهارم، بخش یک

شفاعت کبری و مقام محمود و ویژگیهای شفاعت رسول اکرم (ص) 75

بخش دو، شفاعت ائمه اطهار (ع) و حضرت فاطمه (س) 81

بخش سه، نقش قرآن تو به عمل صالح، علماء و شهداء در شفاعت.. 88

بخش چهار، شفاعت در دنیا و آخرت نقش دعا و توسل در دنیا

به عنوان شفاعت دنیوی.. 98

فصل پنجم، بخش یک، نقد و بررسی شبهات شفاعت (پاسخ به چالش ها) 102

بخش دو، شبهه جواز گناه، (پاسخ تربیتی و اخلاقی) 106

بخش سه، بررسی دیدگاه وهابیت و سایر فرقه های اسلامی

درباره شفاعت و توسل. 110

بخش چهار، فرق شفاعت با سفارشهای نامشروع دنیوی.. 125

فهرست منابع. 129

ص: 5

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و ستایش مختص یگانه خداوندیست که جهان را بر اساس رحمت و اسعه اش خلق کرد؛ و هیچ موجودی را از فیض بی کرانش بی بهره نگذاشت.

با درود و سلام بی پایان خدمت پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله و علیه و آله

و خاندان پاک و مطهرش که خود جلوه های راستین رحمت و اسعه و واسطه های فیض الهی و هدایت بشر به سوی کمال و خداوند متعال هستند.

ساختار و رویکرد کتاب:

این کتاب در پنج فصل اصلی تنظیم شده است.

فصل اول (کلیات و مبانی) که به تعریف دقیق شفاعت و جایگاه آن در نظام توحیدی و حکمت وجودی آن می پردازد.

فصل دوم (شفاعت در قرآن کریم) که به بررسی جامع آیات اثبات و نفی شفاعت و چگونگی جمع بندی بین آنها اختصاص دارد.

فصل سوم (اقسام و شرایط): به انواع شفاعت و تعیین شرایط دقیق شفاعت شوندگان می پردازد تا مرزهای حق و باطل مشخص گردد.

فصل چهارم (مصادیق شفیعان) که به معرفی اولیای الهی و عوامل دیگری که در قیامت شفاعت می کنند می پردازد.

فصل پنجم (نقد و بررسی شبهات) که به پاسخگویی مستدل به مهم ترین شبهات وارده بر شفاعت از جمله تناقض با عدل الهی و تشویق به گناه می پردازد

در میان آموزه های ناب اسلام و خصوصاً مذهب بر حق تشیع

موضوع شفاعت جایگاه خاص و ویژه ای دارد و یکی از ارکان اعتقادی مسلمانان شمرده میشود.

و دریچه ای است بسوی درک عظمت بی کران الهی و حکمت و تدبیر امور عالم و تجلی صفت رحمانیت و رحیمیتش است .

بحث شفاعت همواره دستخوش کج فهمی ها و یا افراط ها و تفریط ها بوده و هست و موجب شبهات مختلفی هم شده است .

در این کتاب که پژوهش و گردآوری آن در کربلای معلی انجام شده است به یاری خداوند متعال قصد داریم تا با پژوهشی علمی و مستند به آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت با تبیین جایگاه و اهمیت موضوع شفاعت این موضوع را از جهات مختلف عقیدتی و شرعی بررسی کنیم .

با امید اینکه مورد عنایت و رضایت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه و سهل الله مخرجہ الشریف قرار بگیرد .

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَتَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مُهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ".

ص: 7

فصل اول

بخش یک

کلیات و مبانی شفاعت (مفهوم و ضرورت)

ص: 8

ریشه لغوی واژه شفاعت (به فتح شین) از ماده شفع گرفته شده است که در اصل به معنای جفت یا ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر است، در مقابل وتر که به معنای تک و تنهاست.

تعریف بر اساس کتب معتبر لغت

1. راغب اصفهانی در کتاب المفردات فی غریب القرآن آورده است :

«الشَّفْعُ: ضَمُّ شَيْءٍ إِلَى مِثْلِهِ»

معنا: شفع به معنای ضمیمه کردن چیزی به مانند آن است.

«وَالشَّفَاعَةُ: الْإِنْضِمَامُ إِلَى آخِرِ نَاصِرٍ لَهُ وَسَائِلًا عَنْهُ، وَأَكْثَرُ مَا يَسْتَعْمَلُ فِي الْإِنْضِمَامِ مِنْ هُوَ أَعْلَى حَرَمَةً وَرُتْبَةً إِلَى مَنْ هُوَ أَدْنَى»

معنا: شفاعت به معنای پیوستن به دیگری است، در حالی که یاور و درخواست کننده برای او باشی. و اغلب در پیوستن کسی به کار می رود که حرمت و مرتبه بالاتری نسبت به فرد پایین تر دارد.

2. ابن منظور در لسان العرب آورده است :

«الشَّفْعُ: ضَمُّ الشَّيْءِ إِلَى مِثْلِهِ... وَقِيلَ: الشَّفْعُ: الزِّيَادَةُ... وَالشَّفَاعَةُ: كَلِمَةُ الشَّافِعِ لِلْمَلِكِ فِي حَاجَةٍ يَسْأَلُهَا لِعَیْرِهِ»

معنا: شفع به معنای ضمیمه کردن یک چیز به مثل آن است... و گفته شده شفع به معنای زیادی است... و شفاعت کلام شفیع (شفاعت کننده) به پادشاه یا بزرگ است در مورد حاجتی که برای دیگری درخواست می کند.

بنابراین، معنی لغوی اصلی شفاعت، جفت و ضمیمه شدن است.

اصطلاح «شفاعت» به معنای واسطه شدن یا میانجی‌گری است، اما مفهوم آن در عرف و دین تفاوت‌های بنیادینی دارد:

1. معنی اصطلاحی شفاعت در عرف (عرف عام)

در محاورات روزمره، شفاعت معمولاً به معنای واسطه شدن شخص دارای نفوذ و آبرو نزد مقامی بالاتر است تا رأی او را تغییر دهد.

مفهوم: درخواست یا خواهش شخص معتبر (شفیع) از یک صاحب قدرت (مانند قاضی یا رئیس) برای کاهش مجازات، عفو، یا افزایش پاداش برای شخص دیگر (مشفوع له).

اساس کار: در این نوع شفاعت، شفیع از موقعیت، نفوذ، شخصیت یا تأثیر عاطفی خود استفاده می‌کند تا نظر طرف مقابل را تغییر دهد.

نتیجه: در شفاعت عرفی، این احتمال وجود دارد که شخص شفیع صرفاً با استفاده از نفوذ خود، حکم اولیه را بدون تغییر در شرایط یا شایستگی فرد مجرم، تعدیل کند.

2. معنی اصطلاحی شفاعت در دین (اسلام)

در اصطلاح کلامی و دینی، شفاعت به معنای واسطه شدن بندگان مقرب الهی (مانند پیامبران، امامان و اولیای خدا) در پیشگاه خداوند، با اذن و اجازه او، برای رساندن رحمت به بندگان مستحق است.

تعریف: واسطه شدن مخلوقی میان خداوند و مخلوقی دیگر، چه برای رساندن خیر (مانند ترفیع درجه) و چه برای دفع شر (مانند بخشش گناه) در دنیا یا آخرت.

تفاوت‌های بنیادین شفاعت دینی با عرفی

تفاوت اصلی در این است که شفاعت در منطق دین، صرفاً یک واسطه‌گری صوری یا تغییر دهنده اراده الهی نیست، بلکه بر محور تغییر

در شخص شفاعت شونده می چرخد و شفاعت در دین اسلام بدون اذن الهی امکان پذیر نیست و در اصل میتوان گفت شفاعت معصومین از ضوابط است و یک ضابطه الهی است تا واسطه گری احساسی و بی اساس.

با استناد به آیه 28 سوره انبیا که می فرماید :

«يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ مِنْهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ»

(آنچه پیش رو و پشت سر آن ها است [گذشته و آینده ی آنان] را می داند و آن ها جز برای کسی که خدا راضی [به شفاعت برای او] است شفاعت نمی کنند و از ترس او بیمناکند.)

(وَلَا يُشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ)

ترجمه آیه : و جز برای کسی که (خدا) رضایت دهد شفاعت نمیکنند.

این آیه یکی از مهم ترین آیات قرآن درباره حقیقت و شرایط شفاعت در قیامت است که اصلی ترین شرایط شفاعت رضایت خداوند است و هیچ کدام از معصومین و یا اولیا الهی بدون اذن خداوند شفاعت نمیکنند و شامل کسانی است که خداوند از آنها راضی است .

روایتی در ذیل آیه شریف :

قِيلَ لِلرَّضَا (عليه السلام) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضِي قَالَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضِي دِينَهُ.

روایت از امام رضا (ع) و به امام رضا گفته شد: «ای پسر رسول خدا معنی این آیه که می فرماید: وَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضِي دِينَهُ چیست؟» فرمود: «یعنی برای کسی که خداوند از دین و آیین او خشنود است».(1)

نتیجه کلی از آیه و روایت :

1 . شفاعت مطلق نیست بلکه مشروط است.

2 . عامل تشویق به گناه نیست بلکه انگیزه برای حفظ ایمان و رضایت الهی است تا زمینه شفاعت فراهم شود.

در رابطه با شرایط شفاعت و منظور از رضای خدا و مفهوم رضایت از دین و ایمان فرد و ... بصورت مفصل تر با استناد بر آیات و روایات در فصل های بعدی کتاب بحث خواهد شد و در این فصل اجمالاً به این موضوع پرداختیم برای تبیین معنای اصطلاحی شفاعت در دین مبین اسلام .

ص: 12

1- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج9، ص398 روضه الواعظین، ج2، ص501/ کشف النعمه، ج2، ص286

جایگاه شفاعت در نظام توحیدی

(شفاعت در طول یا عرض خالقیت؟)

ص: 13

جایگاه شفاعت در نظام توحیدی اسلام بسیار دقیق و حساس است و برخلاف تصور عمومی، نه تنها منافاتی با توحید ندارد، بلکه جلوه ای از رحمت و مالکیت مطلقه الهی است.

جایگاه شفاعت به طور کامل بر دو اصل توحیدی استوار است: توحید در مالکیت (همه ی شفاعت از آن خداست) و توحید در حاکمیت (هیچ شفاعتی بدون اذن او واقع نمی شود).

1. جایگاه شفاعت در قرآن (مبنای توحیدی)

قرآن کریم با صراحت، هرگونه شفاعت خودسرانه یا مستقل را نفی کرده و شفاعت را به طور کامل به مشیت الهی وابسته می داند.

الف) توحید در مالکیت شفاعت

این دسته از آیات، هر نوع مالکیت یا استقلال در شفاعت را از غیر خدا سلب می کند و نشان می دهد که شفاعت یک حق انحصاری الهی است که به هر که بخواهد می بخشد.

آیه 44 سوره زمر می فرماید

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

بگو: «تمام شفاعت تنها از آن خداست، [زیرا] حاکمیت آسمان ها و زمین از آن اوست، سپس همه شما به سوی او باز گردانده می شوید».

روایتی در ذیل آیه :

امیرالمؤمنین (علیه السلام) - قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) صِيفٌ لَنَا الْمَوْتُ؟ فَقَالَ: عَلَى الْخَيْرِ سَقَطْتُمْ هُوَ أَحَدٌ ثَلَاثَةٌ أُمُورٍ يَرِدُ عَلَيْهِ إِمَّا بَشَارَةٌ بِنَعِيمِ الْأَبَدِ وَإِمَّا بَشَارَةٌ بَعْدَابِ الْأَبَدِ وَإِمَّا تَحْزِينٌ وَتَهْوِيلٌ وَأَمْرُهُ مُبْهِمٌ لَا يَدْرِي مِنْ أَيِّ الْفِرَقِ هُوَ فَأَمَّا وَلِيُّنَا الْمُطِيعُ لِأَمْرِنَا فَهُوَ الْمُبَشِّرُ بِنَعِيمِ الْأَبَدِ وَأَمَّا عَدُوُّنَا الْمُخَالِفُ عَلَيْنَا فَهُوَ الْمُبَشِّرُ بَعْدَابِ الْأَبَدِ وَأَمَّا الْمُبْهِمُ أَمْرَهُ الَّذِي لَا

ص: 14

يَمْدَرِي مَا حَالُهُ فَهُوَ الْمُؤْمِنُ الْمُسْرِفُ عَلَى نَفْسِهِ لَا يَدْرِي مَا يؤولُ إِلَيْهِ حَالُهُ يَأْتِيهِ الْخَبْرُ مُبْهِمًا مَخُوفًا ثُمَّ لَنْ يُسَوِّيَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَعْدَائِنَا لَكِنْ يُخْرِجُهُ مِنَ النَّارِ بِشَفَاعَتِنَا فَاعْمَلُوا وَأَطِيعُوا لَا تَتَكَلَّمُوا وَلَا تَسْتَصْغِرُوا عُقُوبَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّ مِنَ الْمُسْرِفِينَ مَنْ لَا تُلْحَقُهُ شَفَاعَتُنَا إِلَّا بَعْدَ عَذَابٍ ثَلَاثِمِائَةَ أَلْفِ سَنَةٍ.

امام علی (علیه السلام) - شخصی به امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرض کرد: «مرگ را برایم وصف کن». حضرت فرمود: «با مرد آگاهی رو برو شده اید. مرگ یکی از سه امری است که بر آدمی وارد می شود؛ یا نوید به نعمتهای جاودان است و یا خبری است به عذاب همیشگی؛ و یا اندوهگین نمودن و ترسانیدن است، و کار شخص «محتضر» مبهم می باشد، زیرا نمی داند جزو کدامیک از این سه گروه خواهد بود؛ اما انسانی که دوستدار و مطیع ما باشد، به نعمت های جاودان نوید داده شده، و دشمنانی که با ما سر ستیز دارند، عذاب ابدی در پیش خواهند داشت و آن کس که وضعش معلوم نیست و نمی داند سرانجامش چه خواهد شد، مؤمنی است که به زیان خود زیاده روی نموده و مشخص نیست سرانجامش به کجا خواهد کشید، خبر مبهم و ترسناکی به او می رسد، ولی خداوند هرگز او را با دشمنان ما برابر نخواهد کرد، و به شفاعت ما او را از جهنم و پس از تحمل عذاب بیرون می آورد، پس کار نیک انجام دهید و از خدا اطاعت کنید. مطمئن نباشید و سزای گناه را از طرف خدا ناچیز شمارید! زیرا شفاعت شامل حال «مصرفین» نخواهد شد، مگر بعد از سیصد هزار سال تحمل عذاب». (1)

ص: 15

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

خداوند کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز (شش دوران) آفرید، سپس بر عرش (قدرت و تدبیر جهان هستی) قرار گرفت؛ هیچ سرپرست و شفاعت کننده ای برای شما جز او نیست؛ آیا متذکر نمی شوید؟!

ب) توحید در اذن و حاکمیت شفاعت

این آیات نشان می دهد که حتی شفاعت کنندگان نیز تنها به واسطه ی اجازه و رضایت خداوند می توانند وساطت کنند. این شرط، شفاعت را از پدیده ای شبیه «پارتی بازی» یا تأثیرگذاری بر اراده خدا، به اجرای اراده و خواست الهی تبدیل می کند.

استناد به آیات :

255 سوره بقره

ایه الکرسی

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ [255]

هیچ معبودی جز خداوند یگانه زنده و پاینده نیست، [خداوندی که قائم به ذات خویش است، و موجودات دیگر، قائم به او]. هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فراموشی نمی گیرد؛ [و لحظه ای از تدبیر جهان هستی، غافل

نمی ماند؛ [آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست که در نزد او، جز به فرمانش شفاعت کند؟! آینده و گذشته ی بندگان را می داند؛ و کسی از علم او آگاه نمی گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. [اوست که به همه چیز آگاه است؛ و علم و دانش محدود دیگران، پرتوی از علم بی پایان و نامحدود اوست]. تخت [حکومت] او، آسمان ها و زمین را دربرگرفته؛ و نگاهداری آن دو (آسمان و زمین) او را خسته نمی کند. و اوست بلند مرتبه و با عظمت

شاهد مثال ما در: (مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ) است .

کیست آن که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند ؟

(تاکید بر اذن مطلق خدا)

و آیه 87 سوره مریم

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا [87]

آنان هرگز مالک شفاعت نیستند؛ مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی گرفته است.

روایت ذیل آیه :

الصَّادِق (علیه السلام) - عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام): قُلْتُ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا قَالَ إِلَّا مَنْ دَانَ اللَّهُ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) وَ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ فَهُوَ الْعَهْدُ عِنْدَ اللَّهِ.

امام صادق

ابو بصیر گوید: به امام باقر عرض کردم: «عبارت: لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا چه معنایی را می رساند؟» ایشان فرمود:

ص: 17

«خداوند در اینجا کسانی را که با ولایت امیرالمؤمنین و دیگر ائمه عزتمند نموده، استثنا کرده است و این پیمان نزد خداوند است».(1)

2. جایگاه شفاعت در روایات (تفسیر عملی توحید)

روایات ائمه اطهار (ع) عمق توحیدی شفاعت را آشکار کرده و شفاعت را نه مجوز گناه، بلکه پاداش و رحمت ویژه ای برای حفظ اصل ایمان می دانند:

شفاعت برای اهل گناه کبیره (با حفظ ایمان):

نقل شده که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «إِنَّمَا شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي.» (شفاعت من تنها برای مرتکبان گناهان کبیره از امت من است).(2)

این روایت نشان می دهد که شفاعت در اسلام، برای کسانی است که با وجود لغزش و گناه بزرگ، رشته ی توحید و ایمانشان را کاملاً پاره نکرده اند و به شفیعان متوسل شده اند.

شفاعت، مجرای رحمت الهی:

بر اساس کلام برخی مفسران و حکما، شفاعت همان مغفرت و رحمت الهی است که از طریق وسایط و اسباب به بندگان می رسد. وقتی این رحمت به مبدأ هستی (خدا) نسبت داده می شود، نامش مغفرت است و وقتی به واسطه های فیض (انبیاء و اولیاء) نسبت داده می شود، نامش شفاعت است. بنابراین، شفاعت نقض توحید نیست، بلکه جریان یافتن فیض و رحمت الهی از مجرای خاص است که خود خداوند آن را تعیین کرده است.

ص: 18

1- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج9، ص146 الکافی؛ ج1، ص431/بحار الأنوار، ج8، ص36

2- الامالی للصدوق، ج1، ص7، باب المجلس الثاني [2]

نتیجه گیری: شفاعتِ معصومین، عین توحید است

در نظام توحیدی اسلام، شفاعت به معنای واسطه شدن انسان کامل (شفیع) در جهت مغفرت الهی و برای کسی است که رضایت خدا را با ایمان و عمل صالح کسب کرده اما دچار لغزش شده است. تمام این فرآیند کاملاً وابسته به اذن و مشیت الهی است و ذره ای از مالکیت، حاکمیت و اراده مطلق خداوند کم نمی کند.

رسول اکرم (ص) فرمودند:

«لَا شَفَاعَةَ لِأَهْلِ الشَّكِّ وَالشَّرْكِ وَالْكَفْرِ، بَلْ لِأَهْلِ التَّوْحِيدِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»

ترجمه: «شفاعت برای اهل شک، شرک و کفر نیست؛ بلکه برای اهل توحید از مؤمنان است.» (1)

نکته توحیدی: این روایت مرز شفاعت و شرک را به وضوح ترسیم می کند. کسانی که توحید را نقض کرده اند (مشرکان) یا به آن شک دارند (شاگان)، از این رحمت محروم اند.

مقام محمود و اذن خدا به پیامبر (ص)

امام علی (ع) در توصیف مقام شفاعت پیامبر (ص) (مقام محمود) فرمودند:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) شَفَعَ لِأَهْلِ الذُّنُوبِ مِنْ أُمَّتِهِ، وَشَفَاعَتُهُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى لَهُمْ»

ترجمه: «رسول خدا (ص) برای گناهکاران امتش شفاعت می کند، و شفاعت ایشان با اذن خداوند متعال برای آنان است.»

ص: 19

نکته توحیدی: شفاعت پیامبر (ص) که بالاترین شفاعت است، نیز مشروط به «اذن الله تعالی» است. این اذن نشان می دهد که شفیع تنها مجری اراده الهی است، نه صاحب اراده مستقل.

شفاعتِ ذخیره شده برای گناهکاران

رسول اکرم (ص) فرمودند:

«ادَّخَرْتُ شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي، وَأَمَّا الْمُحْسِنُونَ فَمَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ»

ترجمه: «من شفاعت خود را برای مرتکبین گناهان کبیره از امتم ذخیره کرده ام. اما نیکوکاران، هیچ راهی [برای مؤاخذه] بر آنان نیست.» (1)

نکته توحیدی: این شفاعت صرفاً برای نجات کسانی است که به دلیل گناهان بزرگ مستحق عذاب بوده اند، اما به دلیل حفظ اصل توحید و ایمان (که همان شرط «لِمَنْ اِذْتَضَى» است) مورد رحمت الهی قرار می گیرند. این رحمت از کانال شفیع به اذن خدا جاری می شود.

به طور خلاصه، در پرتو این روایات، شفاعت نه شریک قرار دادن برای خدا در حاکمیت، بلکه کانال رحمت الهی برای بندگانی است که علی رغم لغزش ها، اصل توحید و ایمان را حفظ کرده اند.

شفاعت قطعاً در طول خالقیت و اراده الهی قرار دارد، نه در عرض آن.

این یکی از اساسی ترین نکات در فهم توحیدی شفاعت است. اگر شفاعت در عرض خالقیت باشد، به معنای شرک و پذیرش قدرتی مستقل در کنار

ص: 20

قدرت خداست، که این دقیقاً همان شفاعت باطلی است که قرآن آن را نفی می کند.

برای درک بهتر این موضوع، ابتدا باید این دو اصطلاح را تعریف کنیم:

علل عَرَضی (در عرض هم):

وقتی چند عامل مستقل از هم، با هم جمع می شوند تا یک پدیده به وجود آید. مثل اینکه برای ساختن یک میز، نجار، چوب، میخ و چکش لازم است. هیچ کدام از این ها علت دیگری نیست، بلکه در کنار هم (در عرض هم) باعث ایجاد میز می شوند.

علل طولی (در طول هم):

وقتی علت ها به صورت یک زنجیره و سلسله مراتب عمل می کنند. علت اول (علة العلیل)، علتِ علتِ دوم است و علت دوم، علتِ علتِ سوم. مثلاً: اراده انسان (علت اول) باعث حرکت عصب دست (علت دوم) می شود، حرکت عصب باعث حرکت ماهیچه (علت سوم) می شود، و حرکت ماهیچه باعث حرکت قلم (علت چهارم) و در نهایت نوشته شدن کلمه می شود. در اینجا، قدرت قلم، مستقل از قدرت دست نیست، بلکه در طول آن و وابسته به آن است.

1. شفاعت در عرض خالقیت (تصور باطل و شرک آمیز)

اگر شفاعت را در «عرض» خدا بدانیم، یعنی معتقد باشیم:

خداوند اراده ای بر مجازات گناهکار دارد.

شفیع (مثلاً پیامبر) اراده ای مستقل و مخالف بر بخشش او دارد.

شفیع با استفاده از نفوذ، قدرت یا محبوبیت خود، اراده خدا را تغییر می دهد و نظر او را عوض می کند.

این همان «پارتی بازی» و شرک است. این یعنی پذیرش یک قدرت مؤثر و مستقل در کنار خدا که می تواند بر تصمیم او غلبه کند. قرآن این نوع شفاعت را که مشرکان به آن معتقد بودند، قاطعانه رد می کند.

2. شفاعت در طول خالقیت (تصور توحیدی و قرآنی)

شفاعت صحیح، دقیقاً در «طول» اراده خدا و بخشی از نظام اسباب و مسببات اوست:

علت العلل (خدا): خداوند به عنوان خالق، اراده کرده است که رحمت و مغفرت خود را از مجاری و کانال های مشخصی به بندگان برساند.

نظام اسباب: همان طور که خدا اراده کرده است که آب از طریق ابر و باران (اسباب) به زمین برسد، اراده کرده است که مغفرت و رحمتش نیز از طریق اسباب معنوی (مانند توبه، عمل صالح، و شفاعت اولیای الهی) به بندگان برسد.

شفاعت به اذن خدا: شفیع، قدرتی از خود در برابر خدا ندارد. او صرفاً یک «واسطه» و «سبب» است که خود خداوند او را تعیین کرده و به او «اذن» داده است.

بنابراین، شفاعت شفیع، قدرتی در عرض قدرت خدا نیست؛ بلکه قدرتی است که از خود خدا گرفته شده و در طول اراده او عمل می کند.

خلاصه توحیدی

درک توحیدی شفاعت این است:

شفاعت شرک آمیز (عرضی): شفیع، اراده خدا را تغییر می دهد.

شفاعت توحیدی (طولی): شفیع، اراده خدا را اجرا می کند.

خداوند اراده کرده است که بنده ای را که اصل ایمان (توحید) را حفظ کرده اما دچار لغزش شده، ببخشد. این بخشش را از کانال و به واسطه

دعای بندگان مقرب خود (شفیعان) جاری می‌سازد تا هم مقام آن شفیعان گرامی داشته شود و هم راهی برای بازگشت گناهکاران باز بماند.

همان طور که امام صادق (ع) فرمودند: (ابی‌الله ان یجری الامور الا باسبابها.) «خداوند ابا دارد از اینکه امور را جز از طریق اسباب فراهم آورد». شفاعت نیز یکی از آن «اسباب» است که در طول اراده خالق عمل می‌کند. [\(1\)](#)

ص: 23

ضرورت و حکمت شفاعت

(چرا خداوند مستقیماً ذمی بخشد؟)

ص: 24

اساس دین بر این است که خداوند "ارحم الراحمین" (مهربان ترین مهربانان) است. در توبه و بازگشت مستقیم به سوی او همیشه باز است. خداوند در قرآن بارها انسان را به بازگشت مستقیم فرا می خواند:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

ترجمه: بگو: «ای بندگان من که بر خود زیاده روی کرده اید! از رحمت خدا ناامید نشوید، که خدا همه گناهان را می آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.» (سوره زمر، آیه 53)

این آیه به وضوح نشان می دهد که راه اصلی، استغفار مستقیم و امید به رحمت جامع الهی است.

روایت ذیل آیه :

الرَّسُولُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) - مَا أَحْبُّ أَنْ لِيَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا بِهَذِهِ الْآيَةِ

پیامبر (صلی الله علیه و آله) - دوست ندارم که به جای این آیه (یا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ) تمام دنیا و هرچه در آن است به من داده شود. (1)

ص: 25

روایت دیگر ذیل آیه :

أمیرالمؤمنین (علیه السلام) - عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنُطُ وَمَعَهُ الْإِسْتِغْفَارُ.

امام علی (علیه السلام) - در شگفتی از کسی که توانایی استغفار دارد، اما ناامید است. (1)

روایتی دیگر که از همه مهم تر است :

توجه !!!

الباقر (علیه السلام) :

سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ أَخَاصٌ أَمْ عَامٌ قَالَ خَاصٌ هُوَ لِشِيعَتِنَا.

روایت از امام باقر (علیه السلام) :

از امام باقر (علیه السلام) درباره ی این کلام خداوند عزوجل قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ پرسیده شد که: «آیا این آیه خاص است (مخصوص فرد خاصی است) یا عام (فراگیر)» (2)

در اینجا امام معصوم علیه السلام در تعبیر و تفسیر آیه این چنین

فرمودند که این بخش فقط مختص شیعیان 12 امامی است.

ص: 26

1- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج 13، ص 256 بحار الأنوار، ج 75، ص 67/ نور الثقلین

2- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج 13، ص 260 دعایم الإسلام، ج 1، ص 75

حال سؤال این است که اگر خدا مستقیم می بخشد، پس شفاعت (واسطه قرار دادن) چه جایگاهی دارد؟ شفاعت یک سیستم تربیتی و جلوه ای از حکمت خداست، نه یک "پارتی بازی" یا نقص در رحمت مستقیم او.

الف) تجلی رحمت خدا از کانال های مختلف:

خداوند خواسته است که رحمت خود را از راه های گوناگون به بندگانش برساند. همان طور که باران (رحمت مادی) را از طریق ابرها می فرستد، رحمت معنوی و بخشش را نیز می تواند از کانال های پاک و مقرب (انبیاء و اولیاء) جاری سازد. این کار، اراده خود اوست.

ب) تکریم و اعطای مقام به اولیاء الهی:

خداوند برای ارج نهادن به بندگان صالح و مقرب خود (انبیاء، ائمه و شهدا) به آن ها این مقام و اجازه (اذن) را می دهد که در مورد دیگران وساطت کنند. این کار در واقع احترام به جایگاه آن ها و نشان دادن اهمیت پیروی از آنان است.

ج) ایجاد امید و حفظ ارتباط (وسیله جویی):

شفاعت یک روزنه امید برای گنهکاری است که شاید از رحمت مستقیم الهی ناامید شده باشد. خداوند با قرار دادن "وسیله"، به گنهکار می آموزد که حتی اگر خودت آلوده شدی، ارتباطت را با بندگان پاک و اولیاء الهی قطع نکن. این "توسل" و "وسیله جویی" خود نوعی بازگشت و اقرار به حقانیت مسیر اولیاء الهی است.

مفهوم شفاعت در مسیحیت نیز وجود دارد، اما درک و اجرای آن در میان شاخه های مختلف این دین (کاتولیک، ارتدکس و پروتستان) تفاوت های اساسی دارد.

نقطه مشترک و اساسی در تمام مسیحیت، شفاعت عیسی مسیح است. اما اختلاف اصلی بر سر شفاعت قدیسان و مریم مقدس است.

در ادامه، این تفاوت ها به تفکیک توضیح داده شده است.

1. شفاعت عیسی مسیح (مورد اتفاق همه)

اساس الهیات مسیحی بر این است که عیسی مسیح، تنها واسطه و شفیع اصلی میان خدا و انسان است. پس از رستاخیز و عروج، او در جایگاه آسمانی خود نزد خدای پدر، برای ایمانداران شفاعت می کند.

با استناد کتاب مقدس: این باور عمدتاً بر اساس آیاتی مانند

«نامه به عبرانیان» و «نامه اول به تیموتائوس»

شکل گرفته است:

«زیرا یک خدا وجود دارد و یک واسطه بین خدا و انسان، یعنی شخص عیسی مسیح.»

(اول تیموتائوس 2: 5)

«...عیسی مسیح که مُرد، بلکه نیز برخاست و به دست راست خداست و برای ما هم شفاعت می کند.» (رومیان 8: 34)

بنابراین، تمام مسیحیان معتقدند که راه اصلی بخشش و ارتباط با خدا، از طریق وساطت و شفاعت عیسی مسیح است.

2. شفاعت قدیسان و مریم مقدس (محل اختلاف)

اینجا نقطه جدایی اصلی میان شاخه های مسیحیت است.

ص: 29

کلیساهای کاتولیک و ارتدکس (شرقی) عمیقاً به شفاعت قدیسان و به طور ویژه مریم مقدس (ملقب به حامل خدا) اعتقاد دارند.

منطق الهیاتی: این باور بر اساس آموزه ای به نام "مشارکت مقدسین" است. طبق این دیدگاه، کلیسا فقط شامل ایمانداران زنده روی زمین نیست، بلکه شامل تمام ایماندارانی است که از دنیا رفته و در بهشت نزد خدا هستند (قدیسان).

نحوه شفاعت: آن‌ها معتقدند همان طور که یک مسیحی می‌تواند از دوست خود بخواهد که برایش دعا کند، می‌تواند از قدیسان در بهشت نیز (که به خدا نزدیک ترند) بخواهد که برای او نزد خدا "دعا" یا "شفاعت" کنند.

تکریم، نه پرستش: این کلیساها به شدت تأکید می‌کنند که این عمل "پرستش" قدیسان نیست، زیرا پرستش فقط مختص خداست. بلکه به آن "تکریم" می‌گویند. آن‌ها از قدیسان نمی‌خواهند که مستقیماً مشکل را حل کنند، بلکه از آن‌ها می‌خواهند که برایشان نزد خدا دعا کنند.

دیدگاه پروتستان

شاخه‌های پروتستان (که در قرن 16 در اعتراض به برخی اعمال کلیسای کاتولیک شکل گرفتند) عموماً شفاعت قدیسان و مریم مقدس را رد می‌کنند.

منطق الهیاتی: پروتستان‌ها بر اصل "فقط مسیح" تأکید دارند. آن‌ها معتقدند آیه «یک واسطه بین خدا و انسان وجود دارد»

(اول تیموتائوس 2: 5)

به این معناست که هیچ واسطه انسانی دیگری، چه زنده و چه مرده (به جز خود مسیح) لازم نیست.

نقد دیدگاه کاتولیک: از دیدگاه پروتستان، درخواست دعا از قدیسانی که از دنیا رفته اند، در کتاب مقدس دستوری ندارد و این عمل، نقش منحصر به فرد مسیح به عنوان تنها شفیع را تضعیف می کند. آن ها معتقدند ایماندار باید مستقیماً و فقط از طریق عیسی مسیح به خدا دعا کند.

در اینجا برخی از مهمترین آیات در کتاب مقدس عهد عتیق (تورات و دیگر کتب پیامبران پیش از موسی) و جدید (انجیل عیسی) مرتبط با شفاعت را ذکر می کنم:

1. عیسی مسیح، شفیع ما نزد خدا

مهم ترین نوع شفاعت در مسیحیت، شفاعت عیسی مسیح است که به عنوان تنها واسطه بین خدا و انسان معرفی می شود و برای ایمانداران نزد پدر آسمانی شفاعت می کند:

1 تیموتائوس 2: 5 (عهد جدید):

"زیرا یک خدا هست و یک واسطه (شفیع) بین خدا و آدمیان، یعنی انسانی که مسیح عیسی است."

عبرانیان 7: 25 (عهد جدید):

"لهمذا قادر است که نجات کامل ببخشد به کسانی که به وسیله او نزد خدا می آیند، زیرا که دائماً زنده است تا برای ایشان شفاعت کند."

رومیان 8: 34 (عهد جدید):

ص: 31

"کیست که حکم محکومیت صادر کند؟ مسیح عیسی همان کسی است که مرد، بلکه برخاست، و در دست راست خداست و برای ما شفاعت می کند."

1 یوحنا 2:1 (عهد جدید):

"ای فرزندان عزیزم، اینها را می نویسم تا گناه نکنید. اما اگر کسی گناه کرد، ما نزد پدر یک شفیع (وکیل) داریم که عیسی مسیح پارساست."

2. شفاعت روح القدس

کتاب مقدس همچنین تعلیم می دهد که روح القدس نیز برای ایمانداران مطابق با اراده خدا شفاعت می کند:

رومیان 8:26 (عهد جدید):

"همچنین روح نیز ضعف ما را یاری می کند، زیرا نمی دانیم چگونه باید دعا کنیم، اما خود روح با ناله هایی که بیان ناپذیر است، برای ما شفاعت می کند."

3. دعای شفاعت ایمانداران برای دیگران

دعای شفاعت (دعا کردن به نفع دیگران) وظیفه ای است که از ایمانداران خواسته شده است:

1 تیموتائوس 2:1 (عهد جدید):

"پس از هر چیز، التماس می کنم که برای جمیع مردم تضرعات، دعاها، شفاعت ها و شکرگزاری ها به جا آورده شود."

یعقوب 5:16 (عهد جدید):

ص: 32

"پس نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف نمایید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید؛ زیرا دعای شخص عادل قوت بسیار دارد و مؤثر است."

افسیان 6: 18 (عهد جدید):

"و در روح، با هرگونه دعا و التماس، در هر وقت دعا کنید و در همین خصوص با کمال ثابت قدمی برای جمیع مقدسین پافشاری نمایید."

کتاب مقدس به ایمانداران تأکید می کند که برای همه نوع مردم، به ویژه کسانی که در قدرت هستند، دعا کنند.

1 تیموتائوس 2: 1-3 (عهد جدید - پولس):

"پس از هر چیز، التماس می کنم که برای جمیع مردم تضرعات، دعاها، شفاعت ها و شکرگزاری ها به جا آورده شود؛ برای پادشاهان و همه کسانی که در مقامات بالا هستند، تا بتوانیم با کمال دینداری و وقار، زندگی آرام و آسوده ای داشته باشیم. این نیکو و پسندیده خدا، نجات دهنده ماست."

کُلسیان 1: 9 (عهد جدید - پولس):

"به همین سبب، ما نیز از روزی که این را شنیدیم، از دعا کردن برای شما باز نایستادیم و پیوسته دعا می کنیم تا از حکمت و فهم روحانی، پر از معرفت اراده او شوید."

افسیان 1: 16 (عهد جدید - پولس):

"پیوسته در دعاهای خود یادتان می کنم و برای شما شکر می نمایم."

5. عیسی مسیح، الگوی شفاعت

عیسی مسیح در طول خدمت زمینی و به ویژه در آخرین ساعات خود، بهترین الگو برای شفاعت بود:

لوقا 23: 34 (عهد جدید - دعا بر صلیب):

ص: 33

"اما عیسی گفت: «ای پدر، اینها را بیمارز، زیرا نمی دانند چه می کنند.»"

لوقا 22: 32 (عهد جدید - دعا برای پطرس):

"اما من برای تو دعا کرده ام تا ایمانت از بین نرود. و تو نیز هنگامی که بازگشتی، برادرانت را تقویت نما."

6. نمونه هایی از شفاعت در عهد عتیق

در عهد عتیق، افراد نیک برای قوم و دیگران نزد خدا شفاعت می کردند:

إِسْعٰیآ 53: 12 (عهد عتیق - پیشگویی درباره مسیح):

"او گناه بسیاری را بر دوش کشید و برای خطاکاران شفاعت نمود."

إِزْمِیآ 15: 1 (عهد عتیق - اشاره به شفاعت موسی و سموئیل):

"آنگاه خداوند به من گفت: «اگر موسی و سموئیل نیز پیش روی من ایستاده بودند، دل من سوی این قوم نمی بود. آنها را از حضورم بران و بگذار بروند.»"

خروج 32: 11 (عهد عتیق - شفاعت موسی برای قوم):

"پس موسی نزد خداوند، خدای خود، التماس کرد و گفت: «ای خداوند، چرا خشم تو بر قوم خودت که با قدرت عظیم و دست توانایت از سرزمین مصر بیرون آورده ای، مشتعل شود؟»"

7. شفاعت در عمل

1 سموئیل 12: 23 (عهد عتیق - سموئیل):

"اما از من دور باد که با دست کشیدن از دعا کردن برای شما، به خداوند گناه ورزم؛ بلکه شما را راه نیکو و درست تعلیم خواهم داد."

ص: 34

فصل دوم

بخش یک

آیات نفی شفاعت: (بررسی آیات و توجیه آن ها)

ص: 35

در قرآن کریم، آیاتی وجود دارد که به ظاهر، شفاعت مطلق و بدون اذن الهی را نفی می کنند و در واقع، شفاعت های باطل و مورد نظر مشرکان را رد می کنند. این آیات، مردم را از تکیه بر واسطه های خیالی و استقلال شفاعت کنندگان در برابر خداوند برحذر می دارند. برخی از این آیات عبارتند از:

سوره بقره، آیه 254:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»

(ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن، نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی، و کافران، همان ستمکارانند).

دو روایت از پیامبر اکرم ذیل این آیه شریف هست که اثبات میکند شفاعت فقط برای شیعیان دوازده امامی هست و مخالفت با امیرالمومنین کفر و شرک است.

و نتیجه میگیریم اینجا که در قرآن خداوند می فرماید شفاعتی نیست در اصل شفاعت نیست برای مخالفان با امیرالمومنین . الرّسول (صلی الله علیه و آله) - الْمُخَالَفُ لِعَلِيٍّ (علیه السلام) بَعْدِي كَافِرٌ وَ الشَّاكُّ بِهِ مُشْرِكٌ. پیامبر (صلی الله علیه و آله) کسی که پس از من با علی (علیه السلام) مخالفت کند، کافر و آنکه درباره ی او شک کند، مشرک می باشد. (1)

ص: 36

1- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج 2، ص 288 بحار الأنوار، ج 27، ص 226

الرَّسُولِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) - مَنْ نَاصَبَ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَام) حَارَبَ اللَّهَ وَ مَنْ شَكَّ فِي عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَهُوَ كَافِرٌ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) هرکس با علی (علیه السلام) دشمنی کند، با خدا نبرد کرده است و آنکه درباره ی [حقانیت] او شک کند، کافر است. (1)

سوره بقره، آیه 48:

«وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»

(و بترسید از روزی که هیچ کس، مجازات دیگری را نمی پذیرد و از او شفاعتی پذیرفته نمی شود و نه گرامتی از او گرفته خواهد شد و نه یاری می شوند). روایات ذیل آیه

العسکری (علیه السلام) - لَا تَشْفَعُ لَهَا بِتَأْخِيرِ الْمَوْتِ عَنْهَا. امام عسکری (علیه السلام) شفاعتی برای به تأخیر انداختن مرگ پذیرفته نمی شود. (2)

ص: 37

1- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج 2، ص 288 بحار الأنوار، ج 27، ص 233/الإمامی، ص 673

2- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج 1، ص 338 بحار الأنوار، ج 9، ص 310/ تأویل الآيات الظاهرة، ص 60؛ فیه: «من یشفع» بدل «لا تشفع»/ الإمام العسکری، ص 241 و البرهان؛ فیهما «یشفع لها» بدل «لا تشفعوا»

علی بن ابراهیم (رحمة الله عليه) - وَ لَوْ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءَ الْمُرْسَلِينَ وَاللَّهُ لَوَ أَنَّ كُلَّ مَلَكٍ مُّقْرَّبٍ وَ كُلَّ نَبِيٍّ مُّرْسَلٍ شَفَعُوا فِي نَاصِبٍ مَا شَفَعُوا. علی بن ابراهیم (رحمة الله عليه) به خدا سوگند! اگر تمام فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل (علیهم السلام) در حق ناصب (دشمن اهل بیت (علیهم السلام) شفاعت کنند، شفاعت آنان پذیرفته نمی شود. (1)

العسکری (علیه السلام) - هَذَا يَوْمُ الْمَوْتِ فَإِنَّ الشَّفَاعَةَ وَالْفِدَاءَ لَا يُغْنِي عَنْهُ وَ أَمَّا فِي الْقِيَامَةِ فَإِنَّا وَ أَهْلَنَا نَجْزِي عَنْ شِيعَتِنَا كُلِّ جَزَاءٍ.

امام عسکری (علیه السلام) این آیه از هنگام مرگ [حکایت می کند] که شفاعت و فدیة ی مورد قبول واقع نشده و فرد نزدیک به مرگ را بی نیاز نمی کند؛ اما در قیامت ما و خاندانمان تمام گرفتاری های شیعیانمان را برطرف می کنیم. (2)

الرّسول (صلى الله عليه و آله) - وَ أَمَّا شَفَاعَتِي فَنَفِي أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مَا خَلَا أَهْلَ الشَّرِكِ وَالظُّلْمِ. پیامبر (من کسانی را که گناهان کبیره ای غیر از شرک و ظلم مرتکب شده اند، شفاعت خواهم کرد). (3)

ص: 38

1- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج 1، ص 338 القمی، ج 1، ص 46

2- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج 1، ص 338 بحار الأنوار، ج 9، ص 310/ تأویل الآيات الظاهرة، ص 60؛ فيه «شيعتنا» زیاده/ البرهان

3- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج 1، ص 338 نورالثقلین/ بحار الأنوار، ج 8، ص 39

سوره مدثر، آیه 48 (در مورد مجرمان):

«فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ»

(از این رو، شفاعت شفاعت کنندگان به حال آنها سودی نمی بخشد). این آیه نفی می کند که شفاعت، شامل حال مجرمانی شود که اعمال و عقاید خاصی داشته اند.

(مانند تکذیب روز جزا و ترک نماز).

مثلاً روایت داریم کسی که نماز را سبک بشمارد شفاعت اهل بیت شامل حالش نمیشود.

این روایت، که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده و ایشان آن را در آخرین لحظات عمر شریف خود بیان فرموده اند، به عنوان مهم ترین هشدار در این زمینه شناخته می شود:

قَالَ الصَّادِقُ (ع): "إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَحَفَّ بِالصَّلَاةِ."

(شفاعت ما هرگز به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی رسد) (1)

نتیجه میگیریم آیاتی که در نفی شفاعت نازل شده است در اصل نفی کننده اصل موضوع شفاعت مشروط نیست

بلکه نفی شفاعت است برای کفار و مشرکین و کسانی که مثلاً ظاهراً بعنوان مسلمان و شیعه است ولی نماز را سبک می‌شمارد یا عقاید غلطی دارد.

ص: 39

از این رو قرآن شفاعت برای این دسته را نفی می کند با استفاده از روایات مجموع آیات و روایت میتوان گفت که حتی فردی که شیعه اثنا عشری در عقیده باشد ولی ضروریات دین را که ائمه اطهار به آن سفارش کرده اند مثل نماز را به جا نمی آورد شفاعت شامل حالش نمیشود مگر اینکه استغفار کند توبه کند و تغییر کند

یک نکته ای که قابل توجه باید باشد اینکه در بحث ولایت و محبت اهل بیت عصمت و طهارت نشانه و ظهور شیعه ولایتمدار و محب دقیقا انجام واجبات و ترک محرمات است همان چیزی که اهل بیت سفارش کردند و تقوا پیشه کردن

چطور کسی را میشود دوست داشت و بعنوان ولی الله دانست ولی به دستوراتش عمل نکرد؟؟

اینکه فردی بگوید شیعه است و محب است و زیارت و مجلس و ... برود اما واجبات مثل نماز را سبک بشمارد که دقیقا امروزه در قشر جوان هیتی ها با این رویرو هستیم و باید همه آگاه باشند از این روایت معتبر از امام صادق علیه السلام

ص: 40

آیات اثبات شفاعت:

(بررسی آیاتی که شفاعت را به اذن خدا اثبات می کنند)

شفاعت به "اذن خدا": (تأکید بر شرط اصلی پذیرش شفاعت)

ص: 41

در قرآن کریم آیاتی از قرآن کریم که وجود شفاعت معصومین (علیهم السلام) را اثبات می کنند .

مسئله شفاعت از موضوعاتی است که در آیات قرآن به صورت های مختلف مطرح شده است. در نگاه کلی، آیات قرآن در مورد شفاعت به دو دسته تقسیم می شوند:

آیاتی که شفاعت را نفی می کنند (شفاعتِ استقلالی): این آیات ناظر بر ردّ شفاعت های باطل و بدون اذن الهی یا شفاعت مشرکان از بت ها هستند، یا شفاعت را در روز قیامت به صورت مطلق و بدون شرایط رد می کنند تا عظمت آن روز را بیان کنند.

مثال: (يَوْمَ لَا يَنفَعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ) (سوره بقره، آیه 254)

آیاتی که شفاعت را با شرط اذن الهی اثبات می کنند (شفاعتِ غیر استقلالی):

این دسته از آیات، وجود شفاعت برای غیر خدا را با قید و شرط و تنها با اجازه و رضایت پروردگار تأیید می کنند.

اثبات شفاعت معصومین (پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام) از طریق دسته دوم آیات و با استناد به روایات و تفاسیر صحیح قرآن صورت می گیرد. آیات کلیدی در اثبات شفاعت با اذن الهی :

این آیات به روشنی بیان می کنند که شفاعت کنندگان با کسب اجازه از خداوند، می توانند برای دیگران شفاعت کنند. این اذن شامل شفاعت پیامبران و اولیای الهی (مانند معصومین) نیز می شود:

(مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ) (سوره بقره، آیه 255)

ترجمه: کیست آنکه در نزد او (خداوند) جز به اذن او شفاعت کند؟ (این آیه تصریح می کند که شفاعت با اذن الهی امکان پذیر است.)
شرط رضایت خداوند از شفاعت شونده:

(وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ)

(سوره انبیاء، آیه 28)

ترجمه: و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که خداوند از او راضی باشد، و ایشان (شفاعت کنندگان) از ترس (و عظمت) او هراسانند.
(این آیه نشان می دهد شفاعت شامل افراد مورد رضایت خدا می شود، و بر اساس روایات، این رضایت از دین و ایمان فرد است).

آیه مربوط به مقام محمود پیامبر اکرم (ص):

(وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا) (سوره اسراء، آیه 79)

ترجمه: و پاره ای از شب را به تهجد برخیز (و نماز شب بخوان)، که این افزون بر واجب برای توست، باشد که پروردگارت تو را به مقام پسندیده (مقام محمود) برساند. (بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت، مقام محمود را همان مقام شفاعت کبری پیامبر اکرم (ص) در روز قیامت دانسته اند).

نتیجه گیری در مورد شفاعت معصومین این آیات نشان می دهند که شفاعت یک امر مطلق نیست و صرفاً در انحصار خداوند است، اما او با قدرت خود به برخی از بندگان خاص و مقرب خود (مانند پیامبران، اوصیا، ائمه معصومین، شهدا و...) اذن شفاعت می دهد. بر اساس تفاسیر شیعه: ائمه

معصومین (علیهم السلام) که از مصادیق برجسته «اولیاء الله» و مورد رضایت تام خداوند هستند و مقام آنها پس از پیامبر اکرم (ص) قرار دارد، قطعاً شامل اذن و رضایت الهی برای شفاعت خواهند بود.

در قرآن کریم، حدود 30 آیه درباره شفاعت وجود دارد که این آیات را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

آیات نافی شفاعت: که ناظر بر شفاعت های باطل و بدون اذن الهی یا شفاعت مشرکان از بت ها هستند.

و آیات مثبت: شفاعت مشروط که شفاعت صحیح با اذن و رضایت خداوند را تأیید می کنند.

برای اثبات شفاعت معصومین (علیهم السلام)، باید به آیات مثبت شفاعت مشروط استناد کرد که نشان می دهند خداوند این مقام را به برخی از بندگان خاص خود عطا فرموده است

1. آیات شرط اذن و اجازه الهی برای شفاعتین آیات کلیدی، اساس اعتقاد به شفاعت صحیح هستند و بیان می کنند که هیچ کس نمی تواند شفاعت کند مگر به فرمان و اذن خداوند.

بقره آیه 255 (آیه الكرسي) مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ

کیست آنکه در نزد او شفاعت کند مگر به اذن او؟

یونس آیه 3

مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ

هیچ شفاعت کننده ای نیست مگر پس از اذن او (خداوند).

طه آیه 109 يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا در آن روز، شفاعت هیچ کس سود نبخشد مگر کسی که خدای رحمان به او اجازه دهد و از گفتار او راضی باشد.

ص: 44

سبأ آیه 23 وَلَا تَتَفَعَّ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ شَفَاعَتِ نَزْدِ أَوْ سُوْدِ نَدَهْدِ مَگَرِ بَرَايِ كَسِيْ كَه (خدا) بَه اَوْ اذِنِ دَهْدِ.

نجم آیه 26 وَكَمْ مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِّن بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ

و چه بسا فرشتگانی در آسمان ها که شفاعتشان هیچ سودی ندارد، مگر پس از آنکه خداوند برای هر کس که بخواهد و راضی باشد، اجازه دهد.

آیات بیانگر شرایط شفاعت شونندگان

این آیات شرط اصلی برای مورد شفاعت قرار گرفتن را رضایت الهی از شفاعت شونده (که به معنای داشتن اصل ایمان و اعتقاد صحیح است) بیان می کنند:

انبیاء آیه 28 وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ وَ شَفَاعَتِ نَمِيْ كَنَدِ مَگَرِ بَرَايِ كَسِيْ كَه (خداوند) از او راضی باشد، و آنان از خشیت او بیمناکند.

مریم آیه 87 لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا آنان مالک شفاعت نیستند مگر کسی که نزد خدای رحمان عهد و پیمانی گرفته باشد. (در تفاسیر، این عهد به اقرار توحید و ولایت اولیای الهی تعبیر شده است). در فصل گذشته روایاتی ذیل آیه عنوان شد.

زخرف آیه 86 وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ

و کسانی را که غیر از خدا می خوانند مالک شفاعت نیستند، مگر آن کس که به حق شهادت داده و به آن یقین دارد.

آیات مربوط به مقام خاص شفاعت :

این آیات به شفاعت کنندگان خاصی اشاره دارند که مقامشان زمینه شفاعت است:

زمر آیه 44 قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

بگو تمام شفاعت از آن خداست. (این آیه شفاعت استقلالی را فقط برای خدا اثبات می کند و نشان می دهد شفاعت دیگران تنها با واگذاری و اذن اوست). اسراء آیه 79 عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا

باشد که پروردگارت تو را به مقام پسندیده ای (مقام محمود) برساند. (به اتفاق بسیاری از مفسران، این مقام، همان مقام شفاعت کبری پیامبر اکرم (ص) در روز قیامت است).

خلاصه: این آیات، شفاعت را یک حقیقت قرآنی می دانند که نه به صورت مستقل، بلکه مشروط به اذن و رضایت مطلق الهی است. بر اساس روایات و تفاسیر، معصومین (پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام) برجسته ترین و والاترین مصادیق کسانی هستند که خداوند به آن ها اذن شفاعت داده است (مَنْ أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ) و شفاعتشان شامل کسانی می شود که حداقل شرط ایمان و رضایت الهی را دارا باشند (لِمَنْ أُرْتَضَى).

راجب لمن ارتضی و شرایط شفاعت شوندگان تخصصی تر در فصل دیگر کتاب بحث خواهد شد .

شفاعت پیامبران و ملائکه در قرآن

ص: 47

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که شفاعت پیامبران و فرشتگان (ملائیکه) را به صراحت یا با اشاره ای قوی، البته مشروط به اذن و رضایت الهی، تأیید می کنند. 1. شفاعت پیامبران در قرآن

شفاعت پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و دیگر پیامبران الهی به صراحت در چند آیه مطرح شده و دلایل قرآنی بر آن بسیار قوی است: الف. آیات مربوط به پیامبر اکرم (ص)

ممکن است بعضی آیات تکراری باشد که قبلاً به آن اشاره شده است. برای تکمیل بودن مطلب لازم است مجدد ذکر شود چون در هر بار از زاویه جدید به آیه نگاه می شود

اسراء آیه 79

عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا

پروردگارت به زودی تو را به مقام پسندیده (مقام محمود) برساند. مفسران شیعه و اهل سنت، مقام محمود را همان مقام شفاعت کبری پیامبر (ص) در روز قیامت می دانند.

نساء آیه 64

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا

اگر آنان وقتی به خود ستم کردند (گناهی مرتکب شدند)، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر نیز برای آنها آمرزش می خواست، حتماً خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند. (این آیه بر شفاعت و استغفار پیامبر در زمان حیات برای گناهکاران دلالت دارد).

ص: 48

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ

و به زودی پروردگارت آنقدر به تو عطا خواهد کرد که راضی شوی. این آیه در روایات، به اعطای مقام شفاعت به پیامبر (ص) و رضایت ایشان از نجات امت تفسیر شده است.

ب. شفاعت سایر پیامبران (مثل یوسف و یعقوب)

یوسف آیات 97 و 98

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيَ پسران یعقوب گفتند: «ای پدر! برای گناهان ما از خدا آمرزش بخواه، که ما خطاکار بودیم.» (یعقوب) گفت: «به زودی برای شما از پروردگار آمرزش می طلبم.» (این آیه نشان دهنده پذیرفته شدن شفاعت و طلب آمرزش پیامبران برای گناهکاران در دنیا است).

شفاعت ملائکه (فرشتگان) در قرآن :

شفاعت فرشتگان نیز در چند آیه از قرآن مطرح شده است و این شفاعت همواره با قید اذن الهی همراه است:

نجم آیه 26

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ

و چه بسا فرشتگانی در آسمان ها هستند که شفاعتشان هیچ سودی ندارد، مگر پس از آنکه خدا برای هر کس که بخواهد و راضی باشد اجازه

ص: 49

دهد. (این آیه به وضوح شفاعت فرشتگان را مشروط به اذن الهی اثبات می کند).

شوری آیه 5

وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ

و فرشتگان با ستایش پروردگارشان، او را تسبیح می گویند و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می طلبند. (این آیه به شفاعت ملائکه در قالب طلب مغفرت برای اهل زمین در دنیا اشاره دارد).

این آیات نشان می دهند که شفاعت، یک امتیاز نیست که خود شفاعت کننده مستقل از خدا داشته باشد، بلکه یک مقام مأذون الهی است که خداوند آن را به بندگان برگزیده اش مانند پیامبران و ملائکه اعطا کرده است.

ص: 50

فصل سوم

بخش یک

تقسیم بندی شفاعت (تکوینی و تشریحی)

ص: 51

1. تعریف شفاعت تکوینی

شفاعت تکوینی به معنای واسطه قرار گرفتن علل و اسباب طبیعی و ماوراء طبیعی (مانند فرشتگان، ائمه، و حتی قوانین خلقت) میان خداوند متعال و موجودات دیگر است تا فیض و رحمت الهی به آن‌ها برسد یا وجودشان تدبیر و تنظیم شود.

در این دیدگاه، تمام نظام علل و معلولات در جهان هستی، از جمله:

عوامل طبیعی: مانند نور خورشید، باران، حیات و...

موجودات مجرد: مانند فرشتگان، و حاملان صفات الهی (اسماء حسنی).

وجودات مقدّس: مانند پیامبران و ائمه (در مقام واسطه فیض).

همگی به عنوان شفیع و واسطه فیض محسوب می‌شوند که به اذن و اراده خداوند، رحمت و نعمت‌های او را به مخلوقات می‌رسانند و موجب ایجاد، بقا، و تدبیر عالم وجود می‌شوند. به عبارت دیگر، تأثیر هیچ علت و سببی در عالم هستی، مستقل از اراده و اذن خداوند نیست، بلکه همراهی و وساطت آن‌ها با اذن الهی، همان شفاعت تکوینی است.

نکته: در شفاعت تکوینی، هدف، ایجاد، تدبیر و بقای عالم است، نه صرفاً بخشش گناهان در آخرت (که شفاعت تشریحی است).

2. ریشه قرآنی شفاعت تکوینی

مهم‌ترین آیاتی که مفسران از آن‌ها برای اثبات و تبیین شفاعت تکوینی استفاده کرده‌اند، آیاتی هستند که مسأله شفاعت را در کنار مباحث آفرینش، ملکیت و تدبیر امور عالم مطرح می‌کنند و شفاعت را منحصر به اذن الهی می‌دانند:

الف. آیه 255 سوره بقره (آیه الكرسي)

ص: 52

ترجمه: «آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست که در نزد او شفاعت کند، مگر به اذن او؟»

تفسیر: در این آیه، ابتدا سخن از ملکیت مطلق خداوند بر آسمان ها و زمین است. سپس به مسأله شفاعت اشاره می شود. پیوند مسأله شفاعت با مُلک و تدبیر عالم وجود و هستی (مُلک تکوینی)، دلالت می کند که شفاعت مذکور در این قسمت، معنای اعمی دارد که شامل واسطه شدن در امور تکوینی نیز هست. یعنی هیچ واسطه ای در هستی و تدبیر آن مؤثر نیست، مگر با اذن او.

آیه 54 سوره یونس :

{ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ }

ترجمه: «پروردگار شما خدایی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر عرش استیلا یافت، امر را تدبیر می کند. هیچ شفاعت کننده ای نیست مگر بعد از اذن او.»

تفسیر: در این آیه، شفاعت بلافاصله بعد از عبارت «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ» (تدبیر امور می کند) آمده است. تدبیر امور، یک امر تکوینی و مربوط به نظام علی و معلولی خلقت است. این پیوستگی نشان می دهد که نفی استقلال در شفاعت، شامل نفی استقلال علل و اسباب در تأثیرگذاری تکوینی آن ها نیز می شود.

ص: 53

الف. تفسیر المیزان (علامه سید محمدحسین طباطبایی)

علامه طباطبایی شفاعت را به دو قسم تکوینی و تشریحی تقسیم می کند. ایشان آیات فوق را به روشنی بر شفاعت تکوینی تطبیق داده و بیان می دارد که:

«خداوند سبحان در سببیت از یکی از دو جهت مورد نظر قرار می گیرد، اول از نظر تکوین، و دوم از نظر تشریح. از نظر اول [تکوین] خدای سبحان مبدأ نخستین هر سبب، و هر تأثیر است، و سببیت هر سببی بالاخره به او منتهی می شود... و همه علل و اسباب اموری هستند که واسطه میان او و غیر او، و وسیله انتشار رحمت اویند.»⁽¹⁾

منابع فلسفی و کلامی :

در حکمت متعالیه و عرفان اسلامی، مسئله شفاعت تکوینی با موضوع ولایت تکوینی و واسطه گری فیض مرتبط است. بر اساس این دیدگاه، موجودات برتر مانند انوار مقدسه چهارده معصوم (علیهم السلام) و فرشتگان مقرب، مظاهر اسماء و صفات الهی هستند که خداوند از طریق آن ها به موجودات پایین تر فیض می رساند. آن ها کانال هایی هستند که امر الهی و رحمت بی کران او از طریقشان در جهان جاری می شود و در واقع، مصادیق بارز شفیع تکوینی به شمار می آیند.

ص: 54

4. شفاعت تکوینی در روایات (به طور غیر مستقیم) :

اصطلاح «شفاعت تکوینی» بیشتر یک تقسیم بندی کلامی-فلسفی برای توضیح بُعدی از آیات قرآن است. با این حال، روایات بسیاری وجود دارند که به نقش موجودات برتر در تدبیر و واسطه گری امور عالم اشاره دارند، که می توان آن ها را مصادیق شفاعت تکوینی دانست:

حدیث لولاک: در حدیث قدسی مشهور، خطاب به پیامبر اکرم (ص) آمده است: «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» (ای پیامبر! اگر تو نبودی، افلاک را نمی آفریدم). این حدیث دلالت دارد که وجود مقدس پیامبر (ص) علت غایی و واسطه در آفرینش کل عالم است.

روایات آفرینش نور ائمه (ع): روایاتی که دلالت بر آفرینش انوار اهل بیت (ع) قبل از خلقت عالم و نقش آن ها در ایجاد سایر مخلوقات دارند، بیانگر مقام واسطه گری فیض و تأثیر تکوینی آن ها هستند.

حدیث جابر از امام باقر (ع) :

این حدیث مشهور، یکی از اساسی ترین متون درباره آفرینش نور اهل بیت (ع) است که اغلب در منابع مختلف نقل شده است:

مضمون روایت:

جابر بن یزید جُعیفی از امام محمد باقر (ع) روایت می کند که ایشان فرمودند:

«ای جابر! خداوند اول چیزی که آفرید، محمد و آل محمد بودند، نورهایی بودند که در برابر عرش او قرار گرفتند. ما به مدت یک میلیون

ص: 55

سال قبل از خلقت هیچ مخلوقی، تسبیح و تهلیل می گفتیم. سپس خداوند، آن نورها را به صلب آدم (ع) منتقل کرد...»(1)

حدیث لولاک (علت غایی آفرینش) :

اگرچه این حدیث مستقیماً به واژه "نور" اشاره نمی کند، اما به وضوح بیانگر مقام علت غایی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در آفرینش کل هستی است:

مضمون روایت :

در حدیث قدسی مشهوری که از طریق پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةٌ لَمَا خَلَقْتُكُمْ.»

ترجمه: «ای احمد! اگر تو نبودی، افلاک را نمی آفریدم؛ و اگر علی نبود، تو را نمی آفریدم؛ و اگر فاطمه نبود، شما دو نفر را نمی آفریدم.»(2)

حدیث امام صادق (ع) درباره آفرینش قبل از عرش :

این روایت نیز بر تقدم خلقت نوری اهل بیت (ع) بر بسیاری از مخلوقات تأکید دارد:

ص: 56

-
- 1- بصائر الدرجات (صفار قمی)، ج 1، ص 83؛ الکافی (شیخ کلینی)، ج 1، باب "خلق أبدان الأئمة وأرواحهم".
 - 2- كشف الغمة (اربلی)، ج 1، ص 47 (نقل از منابع دیگر)؛ مناقب آل ابی طالب (ابن شهر آشوب)، ج 3، ص 89

مضمون روایت :

از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که فرمودند :

«خداوند عز و جل نور ما را [نور اهل بیت (ع)] از نور عظمت خود آفرید. سپس آن را فرمان داد، پس سخن گفت. آنگاه نور ما را در سایه عرش قرار داد و آن نورها تسبیح و تقدیس می گفتند؛ و این پیش از آن بود که آدم (ع) را بیافریند و پیش از آنکه آسمان و زمین و هوا و بهشت و دوزخ و فرشتگان را بیافریند.»⁽¹⁾

حدیث سلمة بن قیس (نورهای واحد) :

این روایت بر وحدت نوری پیامبر (ص) و ائمه (ع) تأکید می کند و بیان می کند که نور آن ها از یک سرچشمه است :

مضمون روایت:

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي.» (خداوند هیچ مخلوقی را بهتر و گرامی تر از من نیافریده است). سپس فرمودند: «خداوند نور مرا آفرید و نور علی بن ابی طالب را، پیش از آنکه آسمان ها و زمین را بیافریند... سپس آن نور را در یک نور قرار داد...»⁽²⁾

ص: 57

1- بحار الأنوار (علامه مجلسی)، ج 25، ص 1.

2- الإحتجاج (شیخ طبرسی)، ج 1، ص 150؛ این مضمون در منابع بسیاری با اندکی تفاوت نقل شده است که بر نور واحد بودن آن ها دلالت دارد.

5. جایگاه این روایات در کلام شیعه :

این روایات، مبنای اصلی اعتقاد شیعه به جایگاه ولایت تکوینی و واسطه‌گری فیض اهل بیت (ع) هستند. بر اساس این متون:

سبقت وجودی: انوار اهل بیت (ع) از نظر خلقت، بر تمام موجودات عالم (آدم، افلاک، فرشتگان و...) سبقت دارند.

واسطه آفرینش: هستی و تدبیر عالم به واسطه و به طفیل وجود آن هاست (اصل «لولاک»).

مقام تسبیح: این انوار قبل از خلقت مادی، مشغول تسبیح و عبادت خداوند بوده‌اند.

منبع فیض: این انوار، مظاهر و مجاری اسماء حسناى الهی هستند که فیض الهی از طریق آن‌ها به موجودات می‌رسد (همان‌طور که در توضیح شفاعت تکوینی ذکر شد).

شفاعت تشریحی :

شفاعت تشریحی یا شفاعت اخروی، عبارت است از واسطه‌گری شفیعان الهی (مانند پیامبران، ائمه، شهدا، علما، و اعمال صالح) نزد خداوند، برای اجرای حکم الهی در حق فردی که استحقاق آن را دارد.

نکته کلیدی: شفاعت در این معنا، هیچ‌گاه به معنای نادیده گرفتن عدالت الهی یا تغییر قهرآمیز اراده خدا نیست، بلکه جلوه‌ای از رحمت الهی است که تنها بر کسانی شامل می‌شود که در دنیا ارتباط خود را با شفیعان (به واسطه ایمان و عمل صالح) حفظ کرده‌اند و ریشه ایمانشان باقی مانده است.

ص: 58

شفاعت تشریحی در قرآن کریم :

قرآن کریم با نفی استقلال شفاعت کنندگان، اصل شفاعت را تأیید می کند، اما آن را محدود و مشروط به اذن و اراده خداوند می داند:

الف. آیات نفی شفاعت مستقل و اثبات شفاعت مشروط

این آیات، مهم ترین مبانی شفاعت تشریحی را بیان می کنند:

1. آیه اذن الهی (آیه الكرسي - بقره: 255)

{ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ }

ترجمه: «کیست آنکه جز به فرمان او در نزدش شفاعت کند؟»

دلالت: شفاعت کنندگان خودشان مالک شفاعت نیستند؛ هر گونه شفاعتی تنها با اذن و رضایت کامل خداوند صورت می گیرد.

آیه شهادت به حق (زخرف: 86)

{ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ }

ترجمه: «و کسانی که غیر از خدا را می خوانند، مالک شفاعت نیستند، مگر کسانی که شهادت به حق دادند و خود می دانند.»

دلالت :

شفیع باید «شاهد به حق» باشد؛ یعنی به حقیقت و یگانگی خداوند شهادت داده و مؤمن واقعی باشد (مانند پیامبران، اوصیا و...).

آیات تعیین شفاعت شونده :

این آیات، حدود و شرایط شفاعت شونده را تعیین می کنند:

1. آیه رضایت (انبیاء: 28)

{ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ }

ص: 59

ترجمه: «و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که مورد رضایت (خدا) باشد، و آنان از بیم او ترسانند.»

دلالت: فرد شفاعت شونده باید دارای حد نصاب ایمان و تولی باشد تا رضایت الهی شامل حالش شود. مفسران شیعه بعضا (مانند علامه طباطبایی) «ارتضی» را به کسانی تفسیر کرده اند که دارای اصل ایمان هستند.

شفاعت تشریحی در کتب روایی معتبر :

روایات اهل بیت (ع) به تفصیل، شرایط شفیعان و شفاعت شوندگان را توضیح می دهند:

الف. شفیعان الهی :

1. پیامبر (ص) و ائمه (ع) :

در روایات، بالاترین مقام شفاعت برای پیامبر اکرم (ص) و سپس ائمه معصومین (ع) معرفی شده است. امام صادق (ع) فرمودند:

«در روز قیامت هیچ یک از امت ها شفاعت نمی کنند مگر پیامبرشان، و ما شفاعت امت هایمان را می کنیم...»⁽¹⁾

2. علما و شهدا :

امام صادق (ع) در روایتی، افرادی را که خداوند اجازه شفاعت به آن ها می دهد، معرفی می کنند:

«وقتی قیامت برپا می شود، خداوند عز و جل به عالم و شهید اجازه شفاعت می دهد...»⁽²⁾

ص: 60

1- بحار الأنوار، ج 8، ص 34 (نقل از خصال شیخ صدوق).

2- الکافی، ج 1، ص 40.

ب. شرایط شفاعت شونندگان (مُشَفَّعٌ لَهُ) :

روایات به شدت بر این نکته تأکید دارند که شفاعت شامل حال کسی که کاملاً ایمان خود را تباه کرده باشد، نمی شود.

1. نفی شفاعت برای کافران و ظالمان :

امام علی (ع) در یکی از خطبه های نهج البلاغه فرمودند:

«شفاعت تنها برای کسانی است که به وسیله زبان و قلب خود به فرمانبرداری خداوند عمل کردند و در راه حق ثابت قدم بودند.»(1)

2. شفاعت برای اهل کبائر (گناهان بزرگ) :

بسیاری از روایات شیعه، شفاعت را برای مؤمنانی که مرتکب گناهان کبیره شده اند و اصل ایمان خود را حفظ کرده اند، ممکن می دانند. پیامبر (ص) فرمودند:

«شفاعت من برای اهل کبائر از امت من است.» (این شفاعت باعث تخفیف عذاب یا عدم ورود به جهنم می شود.)(2)

دیدگاه تفسیری در مورد شفاعت تشریحی (علامه طباطبایی) :

علامه سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان، شفاعت را به معنای تبدیل علت ناقص به علت تام می داند.

علت ناقص : گناه کار دارای ایمان، مستحق عذاب است (علت ناقص).

واسطه (شفیع): شفیع با اذن الهی وارد شده و نقص علت (گناه) را جبران می کند.

ص: 61

1- نهج البلاغه، خطبه 122 (با اندکی تفاوت در نقل).

2- الکافی، ج 8، ص 279؛ تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه شفاعت.

علت تام: شفاعت، همراه با ایمان شفاعت شونده، علت تامی برای آمرزش و نجات می شود.

ایشان تأکید می کند که شفاعت سببیت و تأثیر علی دارد، نه صرفاً درخواست، و تأثیر آن هم به جریان رحمت الهی باز می گردد که بر خلاف توهم عوام، نافی اصل توبه، عدل و تقوا نیست، بلکه مکمل آن است.

بسیاری از تفاسیر غیر فلسفی و تفاسیر روایی-کلامی متقدم و متأخر، همان مفاهیم کلی را با تمرکز بر ظاهر آیات و روایات (به جای استدلال های عقلی عمیق)، تأیید و تبیین کرده اند.

این تفاسیر، بدون ورود به بحث های دقیق فلسفی در مورد «علت ناقصه و تامه» (مانند روش علامه طباطبایی)، بر اذن مطلق الهی و شرط ایمان برای شفاعت تأکید کرده اند:

1. تفسیر مجمع البیان (شیخ طبرسی - قرن ششم هجری)

این تفسیر از مهم ترین منابع شیعه و یک تفسیر جامع با رویکرد جامع و ادبی-کلامی است که کمتر به بحث های عمیق فلسفی می پردازد.

تبیین شفاعت :

شیخ طبرسی در ذیل آیه شفاعت (مانند آیه 255 سوره بقره) چنین بیان می کند:

اذن الهی: شفاعت تنها با اجازه خداوند صورت می گیرد، به این معنی که شفیع در حضور و ملکیت او هیچ استقلال ندارد.

معنای شفاعت: شفاعت به معنای ضمیمه شدن وساطت فرد مُکَرَّم نزد خداوند است. خداوند اجازه می دهد تا مقام شفیع، موجب آمرزش یا عفو کسانی شود که مورد رضایت او هستند.

شرط شفاعت شونده: در ذیل آیه 28 سوره انبیاء (وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى) تصریح می کند که «مَنْ ارْتَضَى» فرد مؤمن است، هر چند گناه کار باشد. شفاعت فقط شامل کسانی است که اصل توحید و ایمان را حفظ کرده اند.

تأکید بر اهل کبائر:

شیخ طبرسی در تأیید شفاعت برای گناهکاران مؤمن، به روایات شهوری استناد می کند که شفاعت پیامبر (ص) را برای «اهل کبائر» (مرتکبان گناهان بزرگ) از امت ایشان ذکر کرده اند.

2. تفسیر نمونه (آیت الله مکارم شیرازی و همکاران - تفسیر معاصر):

این تفسیر با رویکرد جامع، اجتماعی و کلامی معاصر، به دور از پیچیدگی های فلسفی، شفاعت را این گونه تشریح می کند:

شفاعت منطقی:

تفسیر نمونه برای جلوگیری از سوء تفاهم های شفاعت، تأکید می کند که شفاعت دارای ضوابط و شرایطی است و به معنای «پارتی بازی» یا «برهم زدن قوانین الهی» نیست.

اذن و رضایت: تمام شفاعت ها از ابتدا تا انتها متکی به اراده و خواست خدا است.

شفاعت شوندهگان:

شفاعت تنها شامل کسانی می شود که رابطه خود را با خدا و شفیعان قطع نکرده اند و در دنیا زمینه ای برای شفاعت ایجاد کرده اند (مانند نماز، روزه، محبت اهل بیت و...).

ص: 63

انواع شفاعت :

شفاعت نه تنها برای نجات از عذاب است، بلکه برای افزایش درجات مؤمنان نیز می باشد.

شفاعت، عامل تربیت :

این تفسیر بر جنبه تربیتی شفاعت تأکید دارد و آن را مشوقی برای پیوند با اولیای الهی می داند؛ نه مجوزی برای گناه کاری و بی بندوباری. شفاعت مانند کمک یک مربی برای دانش آموزی است که تلاش کرده، اما نیاز به حمایت نهایی دارد.

3. تفسیر الکاشف (شیخ محمد جواد مُغنیه - تفسیر عقلی-اجتماعی) :

این تفسیر از علمای معاصر لبنان، با رویکرد عقلانی و دور از فلسفه گرایی محض، شفاعت را یک اصل دینی می داند:

نافی استقلال :

شیخ مغنیه تأکید می کند که آیاتی که شفاعت را نفی می کنند، در واقع شفاعت استقلالی و بدون اذن را نفی می کنند، نه شفاعت مطلق را.

هدف شفاعت: هدف شفاعت، کمک به کسانی است که به واسطه ایمان خود، صلاحیت لازم برای دریافت عفو الهی را دارند.

موانع شفاعت :

ایشان بر طبق روایات و آیات، کسانی را که شفاعت شامل حالشان نمی شود، به وضوح معرفی می کند :

کافران و مشرکان: کسانی که با خدا دشمنی کرده اند.

ص: 64

ظالمان و منکران شفاعت: کسانی که به طور کلی اصل شفاعت را انکار می کنند یا حق شفاعت شفیعان (مانند اهل بیت) را نپذیرفته اند.

جمع بندی تفاسیر غیر فلسفی :

تفاسیر غیر فلسفی و کلامی-روایی، شفاعت تشریحی را با تأکید بر این نکات توضیح داده اند :

انحصار قدرت :

شفاعت، بدون قید و شرط، متعلق به خداوند است و شفیع تنها با اجازه و اذن او عمل می کند.

شرط ایمان :

شفاعت فقط برای مؤمنانی است که اصل ایمان خود را حفظ کرده اند، هرچند مرتکب گناهان بزرگ شده باشند.

نفی شفاعت برای کافر: هیچ شفاعتی شامل حال کافران، ظالمان و منکران معاد نخواهد شد.

این تفاسیر در واقع همان چارچوب و محتوای شفاعت را ارائه می دهند، اما با استفاده از شواهد نقلی و بیان روان تر، به جای بهره گیری از اصطلاحات و استدلال های دقیق فلسفی.

ص: 65

شرایط شفاعت شونندگان: (چگونگی کسب لیاقت شفاعت)

ص: 66

شرایط شفاعت شونندگان (مُشْفَعٌ لَّهُ) که تعیین کننده صلاحیت فرد برای دریافت شفاعت تشریحی در آخرت است، از مهم ترین مباحث کلامی و تفسیری در مورد شفاعت است.

این شرایط، که برگرفته از آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) هستند، نشان می دهند که شفاعت یک قانون بی قید و شرط یا "پارتی بازی" نیست، بلکه یک مکانیسم هدایتی و مشروط است که تنها بر کسانی اعمال می شود که در دنیا ارتباط معنوی خود را با شفیعان الهی حفظ کرده اند.

1. شرایط اصلی (از دیدگاه قرآن):

مهم ترین شرایط شفاعت شونندگان مستقیماً از دو آیه قرآنی به دست می آید:

الف. شرط اول: مورد رضایت خداوند بودن:

{وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أِذِنَ لَهُمْ} {انبیاء: 28}

ترجمه: «و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که مورد رضایت (خدا) باشد.»

تفسیر این شرط:

حداقل ایمان (اصل توحید): مفسران معتقدند مراد از «ارتضی»، کسانی هستند که اصل ایمان و توحید را پذیرفته و در حال ایمان از دنیا رفته اند. این شامل مسلمانانی می شود که هرچند مرتکب گناهان کبیره شده اند، اما ریشه ایمانشان از بین نرفته است.

نفی شفاعت از کفار: این شرط به طور قطع شفاعت را از کافران، مشرکان و منکران معاد سلب می کند؛ زیرا کسی که کافر مرده است، مورد رضایت خداوند نیست.

شرط دوم: عدم ظلم و کفر (نفی شفاعت از ظالمان):

{ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ } {غافر: 18}

ترجمه: «برای ستمکاران، نه دوست صمیمی و نه شفيعی که مورد اطاعت قرار گیرد، وجود ندارد.»

تفسیر این شرط:

ظلم اکبر: مراد از «ظالمین» در این آیات، طبق تفسیر اهل بیت (ع)، در درجه اول کسانی هستند که مرتکب شرک و کفر (ظلم بزرگ) شده اند.

مرز ایمان: این آیه مرز بین کسانی که شفاعت می شوند و کسانی که شفاعت نمی شوند را مشخص می کند. کسانی که با ستم (کفر یا شرک) رابطه خود را با خدا قطع کرده اند، از شفاعت محروم اند.

مورد شفاعت اولیاء خدا قرار گرفتن خودش یک لیاقت و توفیق میخواید

که حداقل فردی که لایق آن است باید اصل ایمان و توحید و را حفظ کرده باشد و در مراتب بعد انجام واجبات و ترک محرمات است .

یعنی اول عقیده صحیح و پایبندی به اصول دین توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد و دوم پایبندی به فروع دین و به موضوع رضایت خداوند که شرط اصلی شفاعت است در بخش های مختلف کتاب از جهات مختلف تفسیری و روایی پرداخته شده و باز هم در بخش های آینده از جهات دیگر تشریح میشود .

ص: 68

محرومان از شفاعت: (بررسی روایات درباره تارك الصلاة)

ص: 69

محرومان از شفاعت :

روایات ائمه (ع) مواردی را ذکر می کنند که شفاعت را از فرد سلب می کند و در حقیقت، بیانگر مصادیق عدم «ارتضاء» هستند:

الف : موانع سلب کننده شفاعت (محرومین قطعی) :

شفاعت شفیعان الهی به طور مطلق شامل حال این گروه ها نمی شود:

انکار اصل شفاعت :

امام صادق (ع) : «کسی که منکر شفاعت من باشد، خداوند او را نصیب شفاعت من نخواهد کرد.» (زیرا این انکار، کفر به ضروری دین و انکار مقام اهل بیت (ع) است).

سبک شمردن نماز :

پیامبر اکرم (ص) : «کسی که نماز را سبک بشمارد، به شفاعت من نخواهد رسید.» (چون نماز ستون دین و عمود ارتباط با خداست).

دشمنی با اهل بیت (ع) (ناصبی بودن):

در روایات متعدد تأکید شده که شفاعت فقط برای کسانی است که به شفیعان تولی (محبت و پیروی) داشته باشند و هر کس تبری (دشمنی) بورزد، محال است که شفاعت شود.

ظالم به حقوق مردم (حق الناس) :

در مورد حق الناس، شفاعت مستقیماً عمل نمی کند. اول باید حق صاحبش ادا شود یا صاحب حق رضایت دهد. شفاعت فقط می تواند برای مؤمن گناه کار در حق الله (مانند برخی ترک واجبات) مؤثر باشد.

کسانی که دین را تحریف می کنند (غلات و کذابین):

ص: 70

کسانی که در دین بدعت گذاری کرده یا در مورد مقام ائمه غلو می کنند و حقیقت دین را قلب می کنند، از شفاعت محروم اند.

ب: شرط پذیرش شفاعت (هدف شفاعت):

شفاعت برای اهل کبائر:

هدف اصلی شفاعت، بخشش گناهان کسانی است که مرتکب گناهان کبیره شده اند اما ایمانشان باقی مانده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«من شفاعت می کنم و شفاعت من برای اهل کبائر از امت من است.» (این شفاعت باعث تخفیف عذاب یا عدم ورود به جهنم می شود.)

ص: 71

بخش چهار

شفاعت برای گناهکاران و صالحان

(بخشش گناه کبیره / صغیره و افزایش درجات

ص: 72

شفاعت برای گناهکاران :

که در اصطلاح روایی به «اهل کبائر» (مرتکبین گناهان بزرگ) از مؤمنین مشهور است، جنبه نجات بخشی و آمرزش دارد. نجات از عذاب و آتش دوزخ یا تخفیف آن. این شفاعت به کسانی تعلق می گیرد که ایمان اصلی (توحید و نبوت) را دارند، اما به دلیل ارتکاب گناهان کبیره، مستحق عذاب شده اند.

نکته: اگر شفاعت تنها شامل افراد صالح و بی گناه می شد، فایده آن در روز قیامت برای عده کثیری از مؤمنان گناهکار که به این شفاعت نیازمندند، از بین می رفت. شفاعت در این حالت، تکمیل کننده توبه و جبران کننده ضعف ها است.

شفاعت برای صالحان (ارتقاء درجه) :

شفاعت مختص گناهکاران نیست؛ بلکه شامل حال مؤمنانی که حتی مرتکب گناه بزرگی نشده اند و اهل صراط مستقیم بوده اند نیز می شود. این نوع شفاعت، جنبه ارتقاء و کمال دارد.

ارتقاء درجه و جایگاه معنوی در بهشت و نائل شدن به مراتب بالاتر قرب الهی :

دلیل قرآنی تعابیر گسترده ای مانند وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى که شامل عموم مؤمنان می شود، نه صرفاً گناهکاران.

در تفسیر آیه وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى ، مفسران گفته اند شفاعت برای صالحان به این معناست که شفیعان الهی (مثل پیامبر و ائمه) از خداوند می خواهند که بر نعمات و درجات مؤمنان بیفزاید.

ص: 73

مصادیق شفاعت عالم برای شاگردانش، شفاعت شهدا برای خویشاوندانشان، و شفاعت اعمال صالح (مانند قرآن و روزه) که فرد را به مراتب والاتر رهنمون می کند.

جمع بندی : دو کارکرد شفاعت تشریحی

شفاعت تشریحی در واقع دو کارکرد اصلی دارد که هر دوزیر مجموعه رحمت الهی هستند :

1. شفاعت برای نجات گناهکاران (اهل کبائر) دفع عذاب و آمرزش گناهان. نجات از دوزخ یا بیرون آمدن از آن.

2. شفاعت برای کمال صالحان (مؤمنان نیکوکار)

جلب خیر و ارتقاء درجه و مقام. ورود به بهشت با مراتب و مقامات بالاتر.

به این ترتیب، شفاعت یک قانون عام است که در نظام هستی و تشریح برای تمامی مؤمنان (با هر درجه ای از کمال یا نقص) کاربرد دارد، و هرگز فقط محدود به گروه خاصی (خواه گناهکار یا صالح) نیست.

ص: 74

فصل چهارم

بخش یک

شفاعت کبری و مقام محمود و یزگیهای شفاعت رسول اکرم (ص)

ص: 75

شفاعت کبری (بزرگ ترین شفاعت) والاترین مقامی است که خداوند در روز قیامت به پیامبر اسلام (ص) عطا می کند. این مقام، نقطه ی اوج تمایز و برتری ایشان بر تمام پیامبران و خلائق است.

در ادامه، این مفهوم را با استناد به آیات قرآن، تفاسیر و روایات مشترک و اختصاصی شیعه و سنی بررسی می کنیم.

1. تعریف شفاعت کبری :

شفاعت در روز قیامت مراتب مختلفی دارد، اما شفاعت کبری آن مرحله ای است که تمام خلائق (از اولین و آخرین) در صحرای محشر، از طولانی شدن توقف، گرما و وحشت انتظار به تنگ می آیند. در این لحظه، پیامبر اسلام (ص) نزد خداوند شفاعت می کند تا حسابرسی بندگان آغاز شود و مردم از آن وضعیت هولناک نجات یابند. این مقام مختص شخص پیامبر (ص) است و حتی انبیای اولوالعزم نیز در آن لحظه توانایی چنین شفاعتی را ندارند.

2. شفاعت کبری در قرآن کریم (مقام محمود) :

مهم ترین آیه ای که مفسران شیعه و سنی آن را به شفاعت کبری تفسیر کرده اند،

آیه 79 سوره اسراء است :

{ وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا }

«و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو [به منزله] نافلة ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده (مقام محمود) برانگیزد.»

تفسیر: تقریباً تمام مفسران بزرگ (مانند طبرسی در مجمع البیان، علامه طباطبایی در المیزان و فخر رازی و قرطبی در تفاسیر اهل سنت) اتفاق نظر دارند که «مقام محمود» همان مقام شفاعت کبری است؛ مقامی که در

آن، تمام پیشینیان و پسینیان، پیامبر (ص) را ستایش می کنند زیرا گره کار همه به دست او باز می شود.

همچنین آیه 5 سوره ضحی می فرماید :

{وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ}

«و به زودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خرسند گردی.»

در روایات آمده است که این «رضایت»، با نجات امت و شفاعت گسترده حاصل می شود.

3. دیدگاه و روایات اهل سنت :

در منابع معتبر اهل سنت، روایات بسیار مفصلی درباره شفاعت کبری وجود دارد که مشهورترین آن ها «حدیث شفاعت» است.

حدیث مشهور بخاری و مسلم :

در صحیح بخاری و صحیح مسلم از پیامبر (ص) روایت شده است:

روز قیامت خداوند تمام انسان ها را جمع می کند. خورشید به مردم نزدیک می شود و رنج و اندوه به جایی می رسد که قابل تحمل نیست. مردم می گویند: «آیا کسی را نمی بینید که برای ما نزد پروردگار شفاعت کند؟»

1. مردم نزد آدم (ع) می روند. او عذر می آورد و می گوید :

«نَفْسِي نَفْسِي» (خودم، خودم - من نگران خود هستم) و آن ها را به نوح ارجاع می دهد.

2. نزد نوح (ع) می روند، او نیز عذر می آورد و به ابراهیم ارجاع می دهد.

3. نزد ابراهیم (ع)، سپس موسی (ع) و سپس عیسی (ع) می روند. همه آن ها می گویند من صاحب این مقام نیستم.

4. در نهایت حضرت عیسی (ع) می گوید: «نزد محمد (ص) بروید، بنده ای که خداوند گناهان گذشته و آینده اش را بخشیده است.»

مردم نزد پیامبر اسلام (ص) می آیند. ایشان می فرماید :

«أَنَا لَهَا» (من برای این کار هستم). سپس به زیر عرش می رود و سجده می کند. خداوند می فرماید: «ای محمد، سرت را بالا بیاور، بخواه تا داده شود و شفاعت کن تا پذیرفته شود.»⁽¹⁾

این روایت نشان دهنده جایگاه انحصاری پیامبر در گشایش کار خلاق در روز محشر است.

ص: 78

1- صحیح البخاری، حدیث 7440 و 3340 صحیح المسلم، حدیث 193 و بعضی نسخ 194

4. دیدگاه و روایات شیعه :

در مکتب اهل بیت (ع) نیز شفاعت کبری مورد تأکید فراوان است و با جزئیات دقیق تری بیان شده است.

تفسیر مقام محمود :

در تفسیر عیاشی از امام صادق (ع) یا امام باقر (ع) درباره آیه «مقاماً محموداً» سوال شد. حضرت فرمودند :

«هُوَ الْمَقَامُ الَّذِي يَشْفَعُ فِيهِ لِأُمَّتِهِ»

«آن مقامی است که در آن برای امتش شفاعت می کند.» (1)

گسترده‌گی شفاعت :

روایتی از پیامبر اکرم (ص) در منابع شیعه نقل شده است که می فرمایند:

«هر پیامبری دعای مستجابی داشت که در دنیا از آن استفاده کرد، اما من دعای خود را برای شفاعت امتم در روز قیامت ذخیره کردم.»

(خصال صدوق)

تفاوت دیدگاه :

نکته ظریف در تفکر شیعی این است که علاوه بر "شفاعت کبری" (که برای آغاز حسابرسی و نجات همگان از هول قیامت است)، شفاعت های دیگری نیز برای نجات گناهکاران از آتش وجود دارد که در آن مراحل، اهل بیت (ع) نیز در کنار پیامبر (ص) شفاعت می کنند. اما آن مقام اول که «لواء الحمد» (پرچم ستایش) نام دارد، منحصرأً در دست پیامبر (ص) است.

5. جمع بندی و نکات مشترک :

ص: 79

1- (بحار الانوار، ج 8، ص 48)

بین شیعه و سنی در اصول شفاعت کبری توافق کامل وجود دارد:

انحصار: این مقام مخصوص پیامبر خاتم (ص) است.

مکان: در صحرای محشر و پیش از آغاز حسابرسی یا برای ورود به بهشت رخ می دهد.

نتیجه: باعث نجات مردم از وحشت و سرگردانی عظیم روز قیامت می شود.

منشأ قرآنی:

برخاسته از وعده الهی در آیه «مقام محمود» است.

این شفاعت نشان می دهد که رحمت خداوند از طریق کانال وجودی پیامبر اکرم (ص) به تمام هستی سرازیر می شود و ایشان "رحمة للعالمین" در دنیا و آخرت هستند.

ص: 80

شفاعت ائمه اطهار (ع) و حضرت فاطمه (س)

ص: 81

پس از بررسی «شفاعت کبری» پیامبر (ص)، اکنون به جایگاه و نقش اهل بیت (ع) و به ویژه حضرت فاطمه زهرا (س) در نظام شفاعت می پردازیم. در مکتب تشیع، شفاعت این بزرگواران شعاعی از همان شفاعت پیامبر است و در طول آن قرار دارد.

در ادامه، این موضوع را با استناد به آیات، تفاسیر و روایات بررسی می کنیم.

1. مبنای قرآنی شفاعت غیر از پیامبر (ص):

قرآن کریم تصریح می کند که علاوه بر خداوند و به اذن او، کسان دیگری نیز حق شفاعت دارند. این آیات بستر اصلی برای اثبات شفاعت ائمه است:

آیه «شاهدان حق» (زخرف - 86):

{وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ}

«و کسانی که غیر از خدا می خوانند، اختیار شفاعت ندارند؛ مگر کسی که به حق گواهی داده و (به حال شفاعت شوندگان) دانا باشد.»

تفسیر: مفسران (مانند علامه طباطبایی) بیان می کنند که ائمه اطهار مصداق کامل «شاهدان به حق» هستند، زیرا آنان در دنیا شاهد اعمال مردم بوده اند و در آخرت بر اساس آن علم، شفاعت می کنند.

آیه «رضایت الهی» (انبیاء - 28):

{وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى}

«و (فرشتگان و اولیای خدا) جز برای کسی که خدا (از دین او) راضی باشد، شفاعت نمی کنند.»

2. شفاعت ائمه اطهار (علیهم السلام) :

در روایات متعددی از شیعه و اهل سنت آمده است که در روز قیامت، پس از پیامبر (ص)، جایگاه شفاعت به اهل بیت ایشان می رسد.

الف) حدیث «حبل الله» و اتصال شفاعت :

امام صادق (ع) در تفسیر آیه ریسمان الهی می فرماید:

«نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»

«ما همان ریسمان الهی هستیم که خداوند فرمود همگی به آن چنگ بزنید.»⁽¹⁾

این اتصال در دنیا به شکل ولایت و در آخرت به شکل شفاعت و نجات از آتش تجلی می یابد.

ب) شفاعت برای نجات از سختی ها :

در روایتی مشهور از امام صادق (ع) آمده است :

«به خدا سوگند ما در روز قیامت برای شما شفاعت می کنیم... تا جایی که دشمنان ما وقتی می بینند، می گویند: ما را چه شده است که

مردانی را که از اشرار می پنداشتیم، نمی بینیم؟ (اشاره به نجات شیعیان گنهکار توسط ائمه).»⁽²⁾

ج) تفسیر آیه اعراف :

در تفسیر آیه 46 سوره اعراف { وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيَمَاهُمْ } (و بر اعراف مردانی هستند که همه را با چهره شان می

شناسند):

ص: 83

1- تفسیر قمی، ذیل آیه 103 آل عمران و الکافی کتاب الحج، باب ان الائمة حبل الله

2- محاسن برقی، ج 1، ص 184

روایات شیعه تاکید دارند که این «مردان»، ائمه معصومین هستند که بر بلندای محشر ایستاده اند؛ دوستان خود را می شناسند و شفاعت می کنند و دشمنان خود را نیز تشخیص می دهند.

3. شفاعت ویژه حضرت فاطمه زهرا (س) :

مقام شفاعت حضرت زهرا (س) در روایات، بسیار حیرت انگیز و گسترده توصیف شده است. ایشان مقامی دارند که حتی پیامبران و شهدا به آن غبطه می خورند.

الف) معنای نام «فاطمه» :

در روایات معتبر (مانند علل الشرایع صدوق) از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است:

«إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَ مُحَبِّبَهَا عَنِ النَّارِ»

«او فاطمه نامیده شد، زیرا خداوند او و دوستانش را از آتش جهنم جدا (مُنْقَطِع) کرده است.»⁽¹⁾

ب) چگونگی شفاعت ایشان (حدیث دانه های غذا) :

یکی از تکان دهنده ترین روایات درباره کیفیت شفاعت حضرت زهرا (س) از امام باقر (ع) نقل شده است:

در روز قیامت، وقتی حضرت زهرا (س) به در بهشت می رسند، می ایستند و وارد نمی شوند. خداوند خطاب می کند چرا وارد نمی شوی؟ ایشان عرض می کنند: «دوست دارم امروز قدر و منزلت من شناخته شود.»

ص: 84

1- علل الشرایع، الصدوق، باب العلت اللتی من اجلها سمیت فاطمه (س) معانی الاخبار الصدوق، باب معنی اسم فاطمه (س)

خداوند می فرماید: «برگرد و هر کس را که محب تو و محب فرزندان توست برگیر و وارد بهشت کن.»

امام باقر (ع) در ادامه تشبیهی عجیب به کار می برند:

«وَ اللَّهُ يَا جَابِرُ إِنَّهَا ذَلِكَ الْيَوْمَ لَتَلْتَقِطُ شِيعَتَهَا وَ مُحِبِّيَهَا كَمَا يَلْتَقِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ الْجَيِّدَ مِنَ الْحَبِّ الرَّدِيءِ»

«به خدا سوگند ای جابر! در آن روز فاطمه (س) شیعیان و دوستانش را جدا می کند [و بر می چیند] همان گونه که پرنده دانه های خوب را از دانه های بد جدا می کند.»⁽¹⁾

ج) وسعت شفاعت :

در روایات آمده است که حضرت زهرا (س) حتی برای زنان امت که بر مصائب اهل بیت گریسته اند یا محبتی داشته اند نیز شفاعت می کنند و شفاعت ایشان تا جایی گسترده است که دوزخ خطاب به ایشان آرام می گیرد.

4. شرط اساسی: سنخیت (شباهت)

نکته بسیار دقیق تفسیری این است که شفاعت «پارتی بازی» نیست، بلکه قانون «کشش و جذب» است. آهن ربا فقط فلزات خاصی را جذب می کند، نه چوب یا سنگ را. شفاعت ائمه و حضرت زهرا (س) نیز تنها شامل کسانی می شود که یک «سنخیت» (شباهت روحی) با ایشان داشته باشند.

به همین دلیل امام صادق (ع) هشدار دادند:

«لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ»

ص: 85

«شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی رسد.»(1)

این نشان می دهد که اگر پیوند ایمانی (مثل نماز و ولایت) به طور کامل قطع شده باشد، شفاعت امکان پذیر نخواهد بود.

ص: 86

1- کافی، ج 3، ص 270

خلاصه و جمع بندی :

ائمه اطهار :

به عنوان «شاهدان اعمال» و «صاحبان اعراف»، شیعیان و محبین خود را که لغزش هایی داشته اند، شناسایی کرده و با آبروی خود نزد خدا، آن ها را از آتش نجات می دهند.

حضرت زهرا (س) :

دارای شفاعتی استثنایی هستند که با دقت و وسواس، محبین حقیقی را مانند دانه های سالم از میان اهل محشر جدا می کنند و نام ایشان (فاطمه) تضمینی بر این جداسازی از آتش است.

شرط: این شفاعت منوط به این است که فرد، اصل ایمان و ارتباط (ولایت و نماز) را در دنیا ناپود نکرده باشد.

ص: 87

نقش قرآن تو به عمل صالح، علماء و شهداء در شفاعت

ص: 88

نقش توبه در شفاعت نقشی کلیدی و مکمل است؛ به این معنا که توبه راه اصلی و تضمینی بخشودگی است، اما شفاعت، کمکی است برای کسانی که در توبه کامل دچار نقص بوده اند.

در الهیات اسلامی، این دو مفهوم نه تنها با هم تناقض ندارند، بلکه در یک سیستم واحد برای مغفرت الهی عمل می کنند:

1. توبه؛ مسیر اصلی و تضمینی مغفرت :

توبه (پشیمانی از گناه، عزم بر ترک و جبران) اولین و مؤثرترین ابزار انسان برای پاکسازی گناهان است.

ضمانت قرآنی: خداوند در قرآن کریم تأکید می کند که باب توبه تا لحظه مرگ باز است:

{قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا}

«بگو: ای بندگان من که بر خود زیاده روی کرده اید، از رحمت خدا نومید نشوید. قطعاً خداوند همه گناهان را می آمرزد.» (زمر - 53)

نتیجه توبه نصوح: اگر توبه با شرایط کامل (توبه نصوح) انجام شود، گناه کاملاً پاک می شود، گویی اصلاً گناهی انجام نشده است. در این حالت، فرد نیازی به شفاعت برای نجات از عذاب ندارد.

نتیجه :

توبه یک عمل درونی و ایجاب کننده مغفرت است که بر اساس عدالت و رحمت الهی، مستقیماً نتیجه بخش است.

ص: 89

2. شفاعت؛ مکمل و کمک برای صاحبان نقص :

شفاعت لطف و رحمت الهی است که از طریق واسطه های پاک (پیامبر و ائمه) به کسانی می رسد که نتوانسته اند با توبه یا عمل صالح به حد کمال برسند.

نقش شفاعت :

شفاعت برای کسانی است که :

توبه کرده اند، اما نتوانسته اند تمام حقوق و کوتاهی ها را جبران کنند.

توبه نکرده اند، اما اصل ایمان (ولایت) را حفظ کرده اند و از گناهان خود پشیمان هستند (پشیمانی اولین قدم توبه است).

شفاعت برای اهل کبائر :

شفاعت عمدتاً شامل حال مؤمنانی می شود که مرتکب گناهان بزرگ شده اند، اما اصل دین و محبت اهل بیت را حفظ کرده اند.

نتیجه: شفاعت یک فضل بیرونی و رحمت مضاعف است که برای رفع نقایص اعمال انسان در نظر گرفته شده است.

3. توبه به مثابه شرط ضروری برای شفاعت :

مهم ترین نقش توبه در شفاعت این است که توبه زمینه ساز اصلی برای قرار گرفتن تحت چتر شفاعت است.

شفاعت شامل هر کسی نمی شود، بلکه شامل کسانی است که:

اصل ایمان را دارند (مؤمن باشند).

به شفاعت کنندگان ولایت داشته باشند.

دشمن شفاعت کنندگان نباشند.

گناه را سبک نشمارند (مستخف نباشند).

ص: 90

ارتباط با توبه: کسی که هیچ گناه از گناه پشیمان نشده و تا لحظه مرگ بر کفر، نفاق یا انکار حق اصرار ورزیده، عملاً ارتباط روحی (سنخیت) خود را با اولیای الهی قطع کرده است.

توبه (یا حداقل ندامت): ندامت و پشیمانی، که رکن اساسی توبه است، نشان می دهد که هنوز در قلب فرد، حقیقت ایمان و تمایل به پاکی وجود دارد. این همان «سنخیت» لازم است که شفاعت کننده می تواند بر اساس آن، دست فرد را بگیرد.

توضیح روایی (سبک شمردن):

همانطور که قبلاً اشاره شد، روایات اهل بیت (ع) به صراحت بیان می کنند که شفاعت شامل کسی که نماز را سبک بشمارد یا به ظلم اصرار ورزد، نمی شود. اصرار بر گناه بدون پشیمانی، نشان دهنده نفی توبه درونی است و این حالت، مانع شمول شفاعت می گردد.

نقش عمل صالح (کارهای شایسته) در مسئله شفاعت، نقشی مبنایی و اثباتی است. عمل صالح در واقع دلیل و نشانه وجود ایمان در قلب مؤمن است و این ایمان شرط لازم برای شفاعت است.

اگر توبه راه اصلی پاکسازی بود، عمل صالح سرمایه فرد در قیامت و سند او برای دریافت شفاعت است.

در ادامه به توضیح دقیق این رابطه می پردازیم:

1. عمل صالح؛ سند ایمان و شرط شفاعت

شفاعت تنها شامل حال «مؤمنین» می شود. شخص کافر، منافق یا کسی که دشمنی اهل بیت را در دل داشته است، مشمول شفاعت نخواهد بود.

عمل صالح، نمود بیرونی همان ایمان و ولایت است که اساس شفاعت را شکل می دهد:

اقتران قرآنی: در قرآن کریم، «ایمان» و «عمل صالح» تقریباً همیشه در کنار یکدیگر آمده اند (آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ). این پیوند نشان می دهد که ایمان بدون عمل صالح، لزوماً ایمانی کامل نیست.

تفسیر شرط ارتداد :

اگر فردی هیچ عمل صالحی نداشته باشد و ایمان خود را تنها در ادعا نگه دارد، در واقع در معرض خطر ارتداد عملی و زوال ایمان قرار می گیرد. اگر ایمان از بین برود، شرط اصلی شفاعت نیز از بین می رود.

2. عمل صالح؛ ایجاد «سنخیت» با شفیع :

برای اینکه شفاعت کننده (پیامبر، امام یا حضرت فاطمه) بتواند برای کسی شفاعت کند، باید یک سنخیت معنوی و ارتباط روحی میان آن ها وجود داشته باشد.

تبعیت عملی: عمل صالح به معنای اطاعت عملی از دستورات خداوند است که توسط ائمه ابلاغ شده است. وقتی مؤمن به نماز، روزه، صدقه و حسن خلق پایبند است، در واقع خود را به مسیر و مرام شفاعت کنندگان نزدیک می کند.

حدیث ولایت و عمل: در روایات متعدد اهل بیت آمده است که ولایت ما بدون عمل صالح پذیرفته نمی شود. در حقیقت، ولایت (که دروازه شفاعت است) با عمل صالح تکمیل می شود.

از پیامبر (ص):

«أولى النَّاسِ بِي شَفَاعَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَى صَلَاةٍ»

«نزدیکترین مردم به من در روز قیامت کسانی هستند که بیشتر بر من صلوات می فرستند.»⁽¹⁾

نکته: درود فرستادن (که خود یک عمل صالح است)، نشان دهنده محبت و اتصال روحی به شفیع است.

3. عمل صالح؛ کاهش نیاز به شفاعت (اثر مستقیم):

عمل صالح در دنیا، بار گناهان انسان را سبک می کند و نیاز او به شفاعت را برای گناهان بزرگ تر باقی می گذارد.

قاعده «يُذْهِبَنَّ السَّيِّئَاتِ»: خداوند در قرآن می فرماید:

{ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبَنَّ السَّيِّئَاتِ }

«همانا نیکی ها، بدی ها (گناهان کوچک) را از بین می برند.» (هود - 114)

نتیجه گیری: وقتی مؤمن نماز می خواند، روزه می گیرد یا صدقه می دهد، گناهان صغیره او پاک می شود. بنابراین، شفاعت در قیامت صرفاً برای نجات او از عواقب گناهان کبیره ای که نتوانسته توبه کامل برای آن ها انجام دهد، فعال می شود. در واقع عمل صالح، دامنه و حجم شفاعت مورد نیاز را کاهش می دهد.

شفاعت شهدا و علما، مصداق بارز و زیبایی از پیوند عمل صالح با مقام شفاعت است. شفاعت این دو گروه، از نوع شفاعت اولیای الهی (پیامبر و

ص: 93

ائمه) نیست که در طول نبوت و امامت باشد، بلکه شفاعتی است که به پاداش عمل صالح عظیم و مقام قرب الهی به آن ها اعطا شده است.

در ادامه، نقش شفاعتی شهدا و عالمان را توضیح می دهیم:

1. شفاعت شهدا (الشهداء):

شهادت، اوج عمل صالح و بالاترین درجه تقرب به خداوند است. شهدا با فدا کردن جان خود در راه خدا، به مقامی می رسند که خود شفاعت کننده می شوند.

الف) مبنای این شفاعت: قرب الهی و اذن خاص:

شهدا دارای مقام حیات عند الرب هستند:

{وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ}

«و هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده اند؛ بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.» (آل عمران - 169)

این حیات خاص در برزخ و روز قیامت، به آن ها اذن ویژه شفاعت می دهد. آن ها به دلیل عظمت عمل (ایثار جان)، به مقام قرب می رسند و شفاعتشان پذیرفته می شود.

ب) گستره شفاعت شهدا (روایت هفتاد نفر):

در روایات شیعه و سنی، عدد مشخصی برای شفاعت شهدا ذکر شده که نشان دهنده گستره محدود و خاص این نوع شفاعت است (بر خلاف شفاعت عام پیامبر):

روایت پیامبر اکرم (ص):

«يَشْفَعُ الشَّهِيدُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ»

«شهید برای هفتاد نفر از بستگانش شفاعت می کند.»(1)

توضیح: منظور از «اهل بیت» در اینجا اعم از خویشاوندان و دوستان نزدیک است که پیوند ولایی و ایمانی با شهید داشته اند و گناهان کبیره ای دارند که تنها با شفاعت پاک می شود.

ج) ارتباط با عمل صالح :

عمل صالح شهید، نثار جان در راه حق است. خداوند به پاداش این عمل، قدرت شفاعت را به او اعطا می کند تا بتواند عزیزان خود را نیز نجات دهد و این نوعی عدل در فضل الهی است.

2. شفاعت عالمان و فقها (الْعُلَمَاء) :

عالمان ربانی، به ویژه فقها و مبلغان دین، به دلیل وظیفه سنگین هدایت و پاسداری از میراث پیامبران، در روز قیامت جایگاه ویژه ای دارند.

الف) مبنای این شفاعت: وارثان انبیاء :

بزرگ ترین عمل صالح عالمان، حفظ و نشر دانش نافع است. آن ها با هدایت مردم، نقش انبیاء را ایفا می کنند:

حدیث پیامبر (ص):

«الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»

«عالمان وارثان پیامبران هستند.»(2)

از آنجا که انبیاء شفاعت می کنند، وارثان آن ها نیز به اذن الهی، از این مقام بهره مند خواهند بود. عالمان کسانی هستند که در دنیا با علم خود، مردم را از جهل و دوزخ نجات دادند، لذا در آخرت نیز شفاعت می کنند.

ص: 95

1- سنن ابی داود، کتاب الجهاد، حدیث 2522

2- سنن ابی داود، کتاب الفضائل، حدیث 3750

ب) گستره شفاعت عالمان (برای شاگردان و رهروان):

شفاعت عالمان بیشتر شامل حال کسانی است که:

پیرو آن ها بوده اند (شاگردان، مقلدان، و اهل استفاده از علم آن ها).

به سبب تعلیم آن ها، از گمراهی نجات یافته اند.

در روایتی دیگر از رسول خدا (ص) نقل شده است:

«عَالِمٌ يَشْفَعُ لِمَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُ»

«عالمی هست که برای کسانی که از او علم آموخته اند، شفاعت می کند.»⁽¹⁾

توضیح: این شفاعت به دلیل حسناتی است که عالم از طریق تربیت دیگران در کارنامه خود جمع کرده است (صدقه جاریه). در واقع، این شفاعت نوعی پاداش برای عمل صالح مستمر (انتقال علم) است که منجر به هدایت افراد شده است.

ص: 96

جمع بندی نهایی :

شفاعت شهدا و عالمان، شفاعتی است که به پشتوانه اعمال صالح بزرگ آن‌ها (جهاد اکبر و اصغر) به ایشان اعطا شده است:

شهید: با ایثار جان، حق شفاعت برای نزدیکان را کسب می‌کند.

عالم: با ایثار علم و هدایت، حق شفاعت برای شاگردان و پیروان را کسب می‌کند.

این نوع شفاعت‌ها به وضوح نشان می‌دهد که در نظام الهی، شفاعت یک پاداش است که بر اساس عدالت خداوند به صاحبان اعمال صالح برجسته اعطا می‌شود تا لطف و رحمت او را شامل حال دیگران نیز کنند.

ص: 97

شفاعت در دنیا و آخرت نقش دعا و توسل در دنیا

به عنوان شفاعت دنیوی

ص: 98

در ادامه به توضیح نقش شفاعت در دنیا و آخرت، و نقش دعا و توسل در این میان می پردازیم:

1. شفاعت در آخرت (نجات از عذاب و جبران نقص):

شفاعت اخروی که محور بحث های پیشین ما بود، دارای دو هدف اصلی است:

شفاعت کبری (آغاز حساب): رهایی تمام خلایق از وحشت و انتظار طولانی محشر. (مخصوص پیامبر اکرم)

شفاعت صغری (نجات گناهکاران): رهایی مؤمنانی که ایمان دارند ولی به سبب گناهان بزرگ، مستحق عذاب بوده اند، از آتش جهنم.

شفاعت برای ارتقای درجه:

ارتقاء مقام نیکوکاران در بهشت.

ماهیت: این شفاعت یک واقعه متافیزیکی و قضایی است که مستقیماً بر حکم و عذاب الهی تأثیر می گذارد.

ص: 99

2. شفاعت در دنیا (دعا و توسل به عنوان واسطه فیض) :

شفاعت دنیوی یعنی طلب واسطه شدن یک فرد پاک نزد خداوند برای رفع یک حاجت، دفع یک بلا، یا طلب شفا. در این حالت، شفاعت کننده با دعای خود، از خدا می خواهد که اراده خود را به نفع شفاعت شونده تغییر دهد.

الف) توسل (طلب واسطه) به عنوان شفاعت دنیوی :

توسل در لغت به معنای جستجوی وسیله یا نزدیکی است. ما با توسل به پیامبران و ائمه (چه در زمان حیات و چه پس از رحلت) در واقع از آن ها می خواهیم که:

دعای ما را تقویت کنند: چون دعای آن ها به دلیل مقام قرب، قطعی الاجابه است.

واسطه ما نزد خدا باشند: بر اساس آیه شریفه:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ }

«ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله ای بجویید.» (مانده - 35)

نقش ائمه و بزرگان: وقتی ما به ائمه متوسل می شویم، در واقع می گوئیم: «ای امام! تو به خدا نزدیک تری، پس برای رفع فلان مشکل من شفاعت کن و از خدا بخواه که دعای مرا مستجاب کند.» این یک شفاعت بالفعل و دنیوی برای تغییر سرنوشت یا دفع بلا است.

تفاوت با شفاعت اخروی: شفاعت دنیوی، تغییر سرنوشت در دنیا است (مانند شفای مریض)، نه نجات از عذاب آخرت.

ص: 100

ب) دعا به عنوان شفاعت شخصی و مستقیم :

دعا بالاترین نقش را در شفاعت دنیوی ایفا می کند. دعا در واقع شفاعت خود فرد برای خودش نزد خداوند است.

نقش دعا در تغییر قضا و قدر: دعا یک عمل صالح قدرتمند است که می تواند تقدیر حتمی (قضا و قدر) را تغییر دهد. امام کاظم (ع) می فرماید:

«عَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ؛ فَإِنَّ الدُّعَاءَ لِلَّهِ وَالطَّلَبَ إِلَيْهِ يَرُدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ قُدِّرَ وَقُضِيَ»

«بر شما باد به دعا؛ زیرا دعا و درخواست از خدا بلا را برمی گرداند، اگرچه تقدیر و حکم به آن شده باشد.»⁽¹⁾

نتیجه: دعا نه تنها ابزار طلب حاجت است، بلکه عملاً یک واسطه جویی و التماس شخصی برای تغییر مقدرات است، که در حقیقت نوعی شفاعت خود فرد از خویش است.

ص: 101

1- کافی، ج 2، ص 468

بر اساس دیدگاه رایج و صحیح در منابع اسلامی (به ویژه شیعه)، شفاعت اهل بیت (علیهم السلام) نه تنها نقض قوانین الهی نیست، بلکه تأییدکننده و مکمل قوانین الهی و تجلی گاه رحمت و واسعه خداوند است.

در اینجا به تفکیک دو نوع شفاعت اشاره می کنیم تا تفاوت مشخص شود:

1. شفاعت غلط (منفی):

این نوع شفاعت در دستگاه الهی وجود ندارد و مورد نفی قرآن قرار گرفته است:

مفهوم: به معنای پارتی بازی، عوض کردن اراده و علم خداوند، یا برهم زدن قانون بدون هیچ شایستگی و آمادگی در شخص گناهکار است.

نتیجه: اگر شفاعت به این معنا باشد، بله، با عدل الهی و نظام قانون گذاری در تضاد است و باعث تشویق به گناه می شود. قرآن نیز این نوع شفاعت را که بدون اذن و رضایت خدا باشد، رد می کند.

2. شفاعت صحیح (مثبت):

شفاعت اهل بیت (علیهم السلام) از این نوع است و مطابق با آیات و روایات است:

مفهوم: شفاعت به معنای واسطه فیض و رحمت، و قرار گرفتن شفاعت شونده در مسیر رضایت الهی است.

شرط اصلی: شفاعت کنندگان (پیامبر، ائمه و...) تنها به اذن و اجازه خداوند شفاعت می کنند.

تغییر در شفاعت شونده:

شفاعت صحیح برای کسی محقق می شود که قابلیت و آمادگی لازم را کسب کرده باشد. این آمادگی معمولاً شامل اصل ایمان، عمل به برخی وظایف، توبه، یا حداقل پشیمانی و وجود پیوند و محبت نسبت به شفیعان است. شفاعت، شخص گناهکار (که به دلیل ایمان، قابلیت شفاعت را دارد) را از وضع نامطلوب به وضع مطلوب شایسته بخشودگی می رساند.

نتیجه: در این نوع شفاعت، قانون الهی نقض نمی شود، بلکه رحمت و فضل خداوند (که خود بخشی از قوانین اوست) از طریق واسطه های پاک و مطیع اجرا می شود. شفاعت در واقع عامل تکمیل سبب و دگرگونی حال فرد است.

نکته کلیدی:

اهل بیت (علیهم السلام) از خود هیچ استقلالی در شفاعت ندارند و تنها مجری و واسطه رحمت خداوند هستند که به آنها اجازه این کار داده شده است. طبق آیات قرآن:

«مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (البقره - 255)؛ کیست که در نزد او شفاعت کند مگر به اذن او؟

«وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى» (الأنبياء - 28)؛ و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که (خداوند) از او خشنود باشد.

ص: 104

بنابراین، شفاعت اهل بیت (علیهم السلام) نه پارتی بازی در مقابل عدل الهی، بلکه نشانه ای از بزرگی مقام آنان و تجلی لطف و رحمت خداست که برای تربیت و ایجاد امید در مؤمنان گنهکار قرار داده شده است.

ص: 105

بخش دو

شبهه جواز گناه

(پاسخ تربیتی و اخلاقی)

ص: 106

این شبهه که "اگر شفاعت اهل بیت (ع) وجود دارد، پس گناه کردن مجاز است چون در نهایت بخشیده می شویم"، یک برداشت کاملاً غلط و انحرافی است که با روح تعالیم دینی و هدف شفاعت در تضاد است.

در پاسخ اخلاقی و تربیتی به این شبهه، باید سه نکته کلیدی را روشن کنیم:

1. شفاعت، جواز گناه نیست، بلکه انگیزه توبه است (نگرش تربیتی):

شفاعت مانند پایان نامه بدون تلاش نیست؛ بلکه مانند امکان ترمیم برای کسی است که تلاش کرده، ولی لغزیده است:

هدف اصلی شریعت:

خداوند در نظام هستی، هدفش هدایت انسان به کمال و دوری از گناه است. اگر شفاعت جواز گناه بود، نقض غرض می شد و حکمت الهی زیر سؤال می رفت.

شرط شفاعت:

شفاعت تنها شامل کسانی می شود که اصل ایمان را حفظ کرده و از گناه خود پشیمان باشند. کسی که عمداً و از روی طغیان مرتکب گناه شود و شفاعت را بهانه ای برای ادامه گناه بداند، در واقع پیمان الهی را شکسته و خود را از دایره شفاعت خارج کرده است.

شفاعت برای گنهکار پشیمان است، نه طغیانگر جسور.

حدیث نفی شفاعت: همانطور که در پاسخ قبلی ذکر شد، امام صادق (ع) صراحتاً می فرمایند: «وَاللَّهِ لَا تُنَالُ شَفَاعَتُنَا مَنْ اسْتَتَخَفَ بِالصَّلَاةِ» (به خدا قسم! شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی رسد.) سبک شمردن

و بی اهمیت دانستن دستورات دینی، دقیقاً همان جسارت و استخفافی است که مانع شفاعت می شود.

2. آثار سوء گناه و رنج های دنیوی و اخروی (نگرش عقلانی):

حتی اگر فرض کنیم شفاعت در آخرت کارساز باشد، این توجیه اخلاقی را از بین می برد:

اثرات گناه در دنیا:

گناه فقط یک پرونده در آخرت نیست، بلکه در همین دنیا نیز آثار مخرب فراوانی بر روح، روان، روزی و زندگی انسان می گذارد. بسیاری از مشکلات روحی، اضطراب ها و تنگی معیشت، نتیجه اعمال خود انسان است. شفاعت اخروی، ضررهای دنیوی گناه را جبران نمی کند.

رنج برزخ و قیامت: شفاعت، پس از طی مراحل سخت و رنج های فراوان برزخ و محشر محقق می شود. کسی که با توجیه شفاعت، گناه می کند، باید بداند که مقام شفیع، رنج های قبل از شفاعت را از او بر نمی دارد.

جدا شدن از اهل بیت (ع): مهم ترین ضرر اخلاقی گناه، تیره شدن قلب و فاصله گرفتن از نور و هدایت اهل بیت (ع) است. شفاعت، پیوند بین فرد و شفیع را می خواهد؛ اما گناه عمدی و جسورانه این پیوند را قطع می کند و فرد را در عمل از ولایت و محبت شفیعیان جدا می سازد.

3. شفاعت، تجلی رحمت خداست، نه ابزار سوءاستفاده (جمع بندی اخلاقی):

اعتقاد صحیح به شفاعت، باعث تقویت امید و کنترل ناامیدی می شود، نه ایجاد جسارت در مقابل خدا:

امید به اصلاح: شفاعت برای کسانی است که پس از گناه، دچار یأس و ناامیدی از رحمت خدا شده اند. این عقیده به آنها می گوید: "حتی اگر زمین خوردی، فرصت برخاستن و پاک شدن داری."

مقام شفیعان :

اهل بیت (ع) اولین عاملان به تقوا و معلمان اخلاق هستند. احترام و محبت ما به آنها ایجاب می کند که راه و روش آنها (که همان پرهیز از گناه است) را پیش بگیریم. سوءاستفاده از نام آنها برای توجیه گناه، بی احترامی به مقام شامخ شفیعان است.

نتیجه اخلاقی :

شخصی که با جسارت گناه می کند و می گوید: "اهل بیت شفاعت می کنند"، مانند فرزندی است که عمداً خانه پدرش را آتش می زند به این دلیل که می داند پدرش در نهایت او را از سوختن نجات خواهد داد. این عمل، نشان دهنده بی ادبی، بی اخلاقی و عدم معرفت نسبت به مقام شفیعان و رحمت خداست.

ص: 109

بررسی دیدگاه وهابیت و سایر فرقه های اسلامی

درباره شفاعت و توسل

ص: 110

در مورد تاریخچه تحریم شفاعت و توسل، باید گفت که این تحریم، یک رویکرد جدید در تاریخ اسلام محسوب می شود و ریشه در جنبشی دارد که قرن ها بعد از صدر اسلام ظهور کرد.

تا پیش از پیدایش جنبش سلفی گری و سپس وهابیت، توسل و طلب شفاعت از انبیاء و اولیاء (به اذن خداوند) در میان عموم مسلمانان (شامل اکثریت اهل سنت و شیعه) امری مشروع و رایج بود.

1. پیشینه تاریخی تا قرن هشتم هجری :

در دوره های اولیه اسلامی، سیره و روش مسلمانان، صحابه، تابعین و علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت (مالکی، شافعی، حنفی و حنبلی) نشان می دهد که توسل به پیامبر اکرم (ص) و صالحان، هم در زمان حیات و هم بعد از وفات ایشان، عملی مقبول بوده است.

سیره صحابه :

نمونه هایی وجود دارد که خلیفه دوم، عمر بن خطاب، در زمان قحطی به عباس بن عبدالمطلب (عموی پیامبر) متوسل شد تا از خدا طلب باران کند. همچنین، نقل شده است که در زمان قحطی، مردم به توصیه عایشه به قبر پیامبر (ص) متوسل شدند. (1)

دیدگاه ائمه مذاهب :

علمای بزرگ مذاهب اهل سنت، مانند امام مالک (مفتی مدینه)، نیز به توسل به پیامبر (ص) توصیه می کردند.

ص: 111

1- صحیح بخاری، حدیث 3710 و بخش دیگر در حدیث 1010

نقطه عطف فکری، ظهور ابن تیمیه (قرن هشتم):

نخستین کسی که به صورت جدی و گسترده به نقد و رد توسل و شفاعت (به ویژه بعد از وفات) و زیارت قبور پرداخت، ابن تیمیه حُرّانی (متوفای 728 ق) بود.

او که از عالمان حنبلی بود، در تلاش برای «اصلاح» دین و مبارزه با آنچه بدعت می خواند، بسیاری از اعمال رایج مسلمانان را زیر سؤال برد.

ابن تیمیه استدلال می کرد که طلب شفاعت از غیر خدا، یا متوسل شدن به مقام و جایگاه اولیاء، شرک است و تنها باید از خود خداوند درخواست کرد. (1)

این افکار در آن زمان توسط بسیاری از علمای دیگر مذاهب اسلامی نقد و رد شد و حتی منجر به زندانی شدن او گردید و پس از مدتی به فراموشی سپرده شد.

2. دوره وهابیت: تحریم رسمی (قرن دوازدهم هجری):

افکار ابن تیمیه حدود چهار قرن بعد، توسط محمد بن عبدالوهاب نجدی (متوفای 1206 ق)، مؤسس فرقه وهابیت، مجدداً احیا و تشدید شد و به صورت یک جنبش سیاسی و فقهی درآمد.

تحریم و تکفیر:

محمد بن عبدالوهاب با تکیه بر استدلال های ابن تیمیه، به ویژه در منطقه نجد (عربستان کنونی) که از مراکز علمی دور بود، فتوای رسمی صادر کرد که توسل به انبیاء و اولیاء، زیارت قبور، و طلب شفاعت از آنان، مصداق شرک اکبر است.

ص: 112

1- مجمع الفتاوی و رسائل و قواعد عقیدتی ابن تیمیه

مسلمانانی که این اعمال را انجام می دهند، از دین خارج (مشرک) هستند و جنگ با آنان و مصادره اموالشان جایز است.

این فتوا و اتحاد سیاسی با آل سعود، مبنای اصلی جنبش وهابیت را تشکیل داد و منجر به تحریم و منع رسمی توسل و شفاعت در مناطق تحت سلطه آنان شد.

در واقع، این تحریم ناگهانی نبود، بلکه نتیجه احیای یک عقیده خاص (عقیده ابن تیمیه) بود که پیش از آن در اقلیت قرار داشت و با قدرت سیاسی و نظامی آل سعود به یک اصل حکومتی تبدیل شد.

وهابیت (سلفیت تندرو) برای تحریم توسل و طلب شفاعت، عمدتاً بر آیات و احادیثی استدلال می کنند که به نظر آن ها با مفهوم توحید در عبادت در تعارض است.

در اینجا به مهم ترین دلایل وهابیت و نحوه تفسیر آن ها اشاره می کنم:

1. دلایل قرآنی وهابیت برای تحریم :

وهابیت معتقد است که آیات زیر به صراحت، طلب کمک و واسطه جویی از غیر خدا را ممنوع و مصداق شرک می دانند .

الف. انحصاری بودن عبادت و دعا :

{وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا }

(سوره جن، آیه 18)

ترجمه: «و مساجد مخصوص خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید (عبادت نکنید).»

تفسیر وهابیت :

آن ها کلمه «دعا» (خواندن/صدا زدن) را در این آیه به معنای مطلق «طلب کمک» یا «واسطه جویی» می دانند. از نظر آن ها، وقتی کسی نزد قبر پیامبر یا ولی می رود و از او شفاعت می خواهد، مصداق «دعا کردن با خدا» (شریک قرار دادن) است، چون گویا شخص متوسل به قدرتی مستقل از خدا ایمان آورده است.

نفی توانایی شفاعت مستقل :

{قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ}

(سوره سبأ، آیه 22)

ترجمه : «بگو: کسانی را که جز خدا می پندارید، بخوانید! آن ها به اندازه ذره ای در آسمان ها و زمین مالک نیستند.»

تفسیر وهابیت :

این آیه نشان می دهد که هیچ مخلوقی دارای مالکیت و قدرت مستقل نیست. بنابراین، طلب شفاعت از آن ها یا توسل به آن ها، اعتقاد به قدرتی در آن هاست که قرآن آن را نفی کرده و این اعتقاد، شرک آمیز است.

ج. نفی شنیدن بعد از مرگ :

{وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ}

ترجمه: «و تو نمی توانی سخن خود را به مردگان درون قبرها بشنوانی.»

تفسیر وهابیت: این آیه و شبیه آن (مثل آیه نمل/80) دال بر این است که مردگان چیزی نمی شنوند. پس درخواست شفاعت یا توسل از آن ها،

ص: 114

یک عمل باطل و بی فایده است که در بهترین حالت، یک بدعت ضالّه (گمراه کننده) محسوب می شود.

دلایل روایی و اعتقادی وهابیت :

وهابیت همچنین بر اصول اعتقادی زیر تأکید می کنند:

قاعده «سَدِّ ذرائع» (بستن راه های منتهی به شرک): آن ها می گویند حتی اگر توسل یا زیارت قبور در اصل شرک نباشد، اما به دلیل اینکه مسلمانان را در بلندمدت به شرک و غلو (زیاده روی) در مورد اولیاء می کشاند، باید ممنوع شود تا از وقوع شرک جلوگیری شود.

حد توحید :

محمد بن عبدالوهاب اصرار دارد که تنها راه کار توحید خالص (آن گونه که در صدر اسلام بوده)، نفی مطلق واسطه بین خالق و مخلوق در امور عبادی و طلب حاجت است. آن ها هرگونه طلب کمک از غیر خدا را نوعی «عبادت» آن غیر می دانند.

پاسخ سایر فرق اسلامی (شیعه و اکثریت اهل سنت) :

سایر فرق اسلامی این تفاسیر را رد می کنند و معتقدند تمایز بین دعا و توسل: «دعا» در آیات فوق به معنای «عبادت» و «پرستش» است، نه مطلق «طلب کمک». توسل کننده، ولیّ را پرستش نمی کند، بلکه او را واسطه ای به اذن خدا برای رفع حاجت قرار می دهد.

عدم مالکیت مستقل :

همه مسلمانان می پذیرند که اولیاء و انبیاء مالک مستقل نیستند. توسل به معنای اعتقاد به مالکیت آن ها نیست، بلکه به معنای احترام به قرب و آبروی آن ها نزد خداوند و درخواست از خدا به واسطه آن قرب است.

ص: 115

حیات برزخی: دیگر فرقه‌ها معتقدند که آیه «نمی‌توانی به مردگان بشنوانی» مربوط به شنیدن عادی و دنیوی است. اما انبیاء و اولیاء در حیات برزخی به سر می‌برند و خداوند به گونه‌ای دیگر صدای زندگان را به آن‌ها می‌رساند.

وهابیت (و جریان‌های سلفی)، در حالی که بسیاری از اشکال توسل را (مانند توسل به جاه و مقام یا ذات پیامبران و اولیاء پس از وفاتشان) ممنوع و شرک می‌دانند، سه نوع از توسل را مجاز و مشروع می‌شمارند. اساس جواز این اشکال، آن است که این توسل‌ها مستقیماً به خداوند یا اعمال خود فرد برمی‌گردند و نه به ذات یک شخص متوفی.

سه شکل توسل مجاز از دیدگاه وهابیت عبارتند از:

1. توسل به اسماء و صفات الهی:

این شکل از توسل کاملاً مورد قبول است و در قرآن و سنت نیز به آن توصیه شده است. فرد در دعای خود، خداوند را با نام‌ها و صفات زیبایش صدا می‌زند و به آن‌ها متوسل می‌شود.

مثال:

خواندن خداوند با ذکر «یا حیّ یا قیّوم برحمتک استغیث» (ای زنده و پاینده، به رحمت تو فریاد می‌خواهم).

گفتن: «اللهم انی اسألك بأسمائك الحسنی...» (خداوندا، تو را به حق اسمای نیکویت می‌خوانم).

مبنای قرآنی: {وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا}

(سوره اعراف، آیه 180)

(و برای خداوند نام‌های نیکوست، پس او را با آن‌ها بخوانید.)

ص: 116

توسل به عمل صالح خویشتن :

در این حالت، فرد در هنگام دعا، کارهای نیک و عباداتی را که خالصانه برای خدا انجام داده است، واسطه قرار می دهد و از خداوند می خواهد به پاداش آن اعمال، دعایش را مستجاب کند.

مثال :

گفتن: «خدایا، به خاطر ایمانی که به تو آورده ام و به خاطر این نماز یا روزه ای که انجام داده ام، این حاجت مرا برآورده کن.»

مبنای روایی :

وهابیت به حدیث مشهور «اصحاب غار» استناد می کنند، که سه نفر با توسل به سه کار نیک بزرگ خود (نیکی به والدین، عفت و امانت داری) توانستند از دهانه بسته شده غار رهایی یابند. (1)

3. توسل به دعای شخص صالح زنده :

این شکل از توسل، در زمان حیات پیامبر (ص) و صالحان و در زمان ما، با درخواست دعا از یک شخص پرهیزگار و زنده انجام می شود.

مثال:

فرد نزدیک عالم یا شخص متقی می رود و از او می خواهد که برایش دعا کند.

ص: 117

دلیل جواز :

این عمل در سیره صحابه رایج بوده است؛ از جمله آنکه عمر بن خطاب در زمان قحطی، از عباس بن عبدالمطلب (عموی پیامبر) که زنده بود، خواست برایشان دعا کند و به دعای او متوسل شد.

نکته مهم: وهابیت تأکید می کنند که این فقط درخواست دعا از شخص زنده است، و نه توسل به ذات یا جایگاه او.

دلیل تحریم سایر اشکال توسل :

وهابیت اشکال رایج توسل را (مانند توسل به ذات پیامبر بعد از وفاتش) ممنوع می دانند، زیرا معتقدند:

مرده نمی شنود: به استناد آیاتی چون (فاطر/22)، آن ها می گویند مردگان قدرت شنیدن و پاسخ دادن به درخواست ها را ندارند.

شرک در عبادت: درخواست مستقیم از شخص متوفی برای شفاعت یا رفع حاجت (حتی با اعتقاد به اذن الهی) نوعی «دعاء غیر الله» (خواندن غیر خدا) است که مصداق شرک در عبادت محسوب می شود، زیرا تنها خداوند مستقلاً مالک و قادر به اجابت دعا است.

پاسخ شیعه (و اکثریت اهل سنت غیر وهابی) به این شبهات بر پایه تمایز قائل شدن بین عبادت (پرستش) و استغاثه (کمک خواستن/واسطه جویی) و همچنین پذیرش حیات برزخی استوار است.

1. پاسخ به شبهه "شرک بودن توسل و طلب شفاعت"

استدلال وهابیت :

«هرگونه خواندن و درخواست از غیر خدا، مصداق آیه "فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا" (جن/18) است و شرک در عبادت محسوب می شود.»

ص: 118

پاسخ شیعه (با استدلال قرآنی):

شیعه معتقد است که دعا در این آیات به معنای عبادت و پرستش است، نه مطلقاً طلب کمک یا واسطه جویی.

تمایز بین عبادت و توسل:

عبادت:

عبادت است از خضوع و کرنش در برابر کسی با اعتقاد به ربوبیت (پروردگاری) یا الوهیت (خدایی) او، یا اعتقاد به اینکه او مالک مستقل نفع و ضرر است.

توسل: عبارت است از واسطه قرار دادن بنده مقرب خداوند (که نه مالک، بلکه صرفاً واسطه است) برای تقرب بیشتر به خدا.

شواهد قرآنی بر مشروعیت واسطه:

دستور صریح به جستجوی وسیله:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ }

(سوره مائده، آیه 35)

ترجمه:

«ای کسانی که ایمان آورده اید، پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله ای برای رسیدن به او بجویید.»

امیرالمؤمنین (علیه السلام) - عن سلمان الفارسی عن امیرالمؤمنین (علیه السلام) فی قول الله تبارک و تعالی: قُلْ كَفَى بِاللّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ فَقَالَ اَنَا هُوَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ وَ قَدْ صَدَّقَهُ اللَّهُ وَ أَعْطَاهُ الْوَسِيلَةَ فِي الْوَصِيَّةِ وَ لَا يُحَلِّي أُمَّتَهُ (صلی الله علیه و آله) مِنْ وَسِيلَتِهِ إِلَيْهِ وَ إِلَى اللَّهِ فَقَالَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ.

ص: 119

امام علی (علیه السلام) - سلمان (رحمة الله علیه) نقل می کند: امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره ی آیه: بگو: خدا و هر کس که از کتاب آگاهی داشته باشد، به شهادت میان من و شما کافی است. (رعد/43)؛ فرمود: «منم آن که ام الكتاب نزد اوست. و خداوند او را تصدیق نمود و او را در وصیت و سیله ی بخشش نمود و هیچ امتی را از دستاویزی به وی و به خداوند، بی نیازی نیست که خداوند می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ. (1)

الرَّسُولِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) - الْأَيْمَةَ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُمُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ هُمُ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) - امامان و پیشوایان [پس از من] همگی از فرزندان حسین می باشند، و هرکس از ایشان فرمان برد، خدا را اطاعت کرده، و هرکس نافرمانی آنان کند خدا را معصیت کرده است، و ایشان چنگاویز محکم و دستگیره استوار هستند، و اینان راهنما به سوی خداوند عزّوجلّ هستند. (2)

ص: 120

1- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج4، ص32 بحار الأنوار، ج35، ص432/ بصایر الدرجات، ص216/ المناقب، ج3، ص75/ البرهان

2- تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج4، ص32 عیون أخبار الرضا، ج2، ص58

علی بن ابراهیم (رحمة الله علیه) - وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ فَقَالَ: تَقَرَّبُوا إِلَيْهِ بِالْإِمَامِ.

به واسطه ی امام به خداوند نزدیکی جوید. (1)

استدلال شیعه :

این آیه مؤمنان را به یافتن «وسیله» امر می کند. از نظر تفسیری، وسیله شامل اعمال صالح، ایمان و همچنین اولیاء و انبیاء است، زیرا آن ها بارزترین وسیله برای تقرب به خدا هستند .

استغفار توسط پیامبران :

{وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا }

ترجمه: «و اگر آنان هنگامی که به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خداوند آمرزش می خواستند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش می کرد، قطعاً خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

استدلال شیعه: این آیه صریحاً نشان می دهد که طلب مغفرت از طریق واسطه (پیامبر)، نه تنها شرک نیست، بلکه مورد رضایت و موجب قبولی توبه است. شیعه این حکم را به ائمه و اولیاء (که وارثان مقام شفاعت هستند) نیز تعمیم می دهند.

ص: 121

پاسخ به شبهه "عدم شنیدن توسط مردگان"

استدلال و هابیت :

«مردگان چیزی نمی شنوند و درخواست از آن ها باطل است. (اشاره به آیات وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ)»

پاسخ شیعه (با استدلال قرآنی و روایی):

شیعه با پذیرش مفهوم حیات برزخی، استدلال می کند که مردگان، به ویژه انبیاء و اولیاء، در حالت برزخ از زندگی ویژه برخوردارند و قادر به شنیدن هستند.

{وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ}

(سوره آل عمران، آیه 169)

ترجمه: «و هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند، بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.»

استدلال شیعه :

این آیه صریحاً حیات برزخی شهدا را اثبات می کند. اگر شهدا زنده هستند، به طریق اولی انبیاء و اولیاء نیز از حیات برزخی کامل تر برخوردارند. حیات برزخی به معنای شنیدن و درک بالاتر از درک دنیوی است.

تفسیر آیه «نمی توانی بشنوانی» :

شیعه و مفسران دیگر می گویند این آیه به معنای شنیدن هدایت پذیر و تأثیرپذیر است، نه مطلق شنیدن حسی. یعنی همان طور که کافران قلب هایشان مرده است و پیامبر نمی تواند سخن خود را به آن ها بفهماند،

ص: 122

سخن او نیز بر مردگان معمولی تأثیری ندارد. این نفی، به معنای نفی مطلق درک از اولیاء نیست.

شواهد روایی بر شنیدن مردگان :

حدیث قلیب (چاه): در منابع معتبر اهل سنت و شیعه نقل شده است که پیامبر (ص) پس از جنگ بدر، با کشتگان کفار قریش (که در چاه ریخته شده بودند) سخن گفت. وقتی از ایشان پرسیدند: «آیا با مردگان سخن می‌گویید؟» ایشان فرمودند: «شما شنواتر از آن‌ها نیستید، ولی آن‌ها نمی‌توانند پاسخ دهند.» این روایت دلیلی بر اصل شنیدن مردگان است. (1)

پاسخ به شبهه "عدم مالکیت مستقل"

استدلال و هابیت :

«اولیاء هیچ مالکیت و قدرتی ندارند، پس طلب شفاعت از آن‌ها (که لا یَمْلِکُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ) شرک است.»

پاسخ شیعه (تأکید بر اذن الهی):

شیعه معتقد است که درخواست شفاعت یا توسل، اعتراف به مالکیت مستقل اولیاء نیست، بلکه درخواست از خداوند برای استفاده از اذن و مقام آن‌ها است.

شفاعت به اذن خداوند :

{ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ }

(آیه الکرسی، سوره بقره، آیه 255)

ترجمه: «کیست آنکه نزد او شفاعت کند، جز به اذن او؟»

ص: 123

این آیه تأیید می کند که شفاعت وجود دارد، اما مشروط به اذن الهی است. وقتی شیعه از امامان یا پیامبر طلب شفاعت می کند، در واقع از خدا می خواهد که به آن ها اذن دهد تا برای وی شفاعت کنند. این عمل نه تنها شرک نیست، بلکه اعتراف به قدرت مطلق خداوند و مقام والای اولیاء در درگاه اوست.

شیعه معتقد است که واسطه قرار دادن و یا شفیع قرار

دادن با عبادت کردن کاملاً متفاوت است و دو امر جدا می باشد .

توسل و شفاعت در طول توحید و و از ضوابط الهی است نه در عرض.

«شفاعت اهل بیت علیهم السلام» یک مفهوم عمیق توحیدی و معنوی است؛ اما «سفارش های نامشروع دنیوی» یک رفتار نادرست اجتماعی. مهم ترین تفاوت ها را می توان در چند محور خلاصه کرد:

1. منشأ و مشروعیت شفاعت اهل بیت (ع):

ریشه در اذن الهی دارد:

«مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»

شفاعت کننده و شفاعت شونده هر دو باید در مسیر حق باشند.

سفارش دنیوی نامشروع:

منشأ آن رابطه های شخصی، رانت، پارتی بازی یا فساد است.

هیچ مشروعیت عقلانی یا الهی ندارد.

2. هدف شفاعت:

باز کردن راه بازگشت انسان گناهکار به سوی خدا.

کمک به کسانی که توبه، ایمان و تلاش دارند اما کاستی هایی در مسیر تکامل داشته اند.

هدف آن رشد معنوی و نجات روح است و ارتقا سطح کمال و تعالی.

سفارش نامشروع:

هدف آن کسب منفعت نادرست، گرفتن حق دیگری یا دور زدن قانون برای رسیدن به موقعیت یا امتیاز است.

نه رشد دارد نه عدالت.

3. نوع اثر شفاعت :

تغییری در سرنوشت اخروی و با رضای خداوند.

شفاعت قانون خدا را تغییر نمی دهد؛ بلکه شامل کسانی می شود که شرایط رحمت را دارند.

سفارش دنیوی :

باعث تبعیض و فساد می شود. حقوق دیگران را پایمال می کند.

نظام اجتماعی و اقتصادی را ناکارآمد می سازد

4. معیار پذیرش شفاعت :

نیازمند ایمان، ارتباط با خدا، اعمال نیک، ترک ظلم و توبه است.

هیچ ظالم یا متکبر یا اصرارکننده بر گناه شفاعت نمی شود.

سفارش نامشروع :

معمولاً معیار آن نزدیکی، پول، رشوه، رابطه، نفوذ و قدرت است.

5. اثر بر عدالت :

شفاعت :

در چارچوب عدالت و حکمت الهی انجام می شود.

هدف: رحمت با حفظ عدالت.

سفارش نامشروع :

تضاد کامل با عدالت :

عدالت را به نفع گروه خاصی زیر پا می گذارد

جمع بندی کوتاه :

شفاعت، نجات انسان در مسیر حق با اذن خداست؛

سفارش نامشروع، ظلم به دیگران و نقض عدالت برای منافع شخصی.

شفاعت اهل بیت برای پاک سازی روح، نه حذف عدالت .

امام صادق(ع) :

«نَحْنُ الشُّفَعَاءُ وَاتَّبَاعُنَا أَهْلُ الْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ» (1)

شرح :

اهل بیت شفاعت می کنند، اما پیروان واقعی آن ها کسانی هستند که پرهیزکار و تلاشگرند.

بنابراین شفاعت هدیه ای برای اهل ایمان و تقوا و تلاش است.

ص: 128

1- کافی، ج 1، ص 19

- 1-راغب اصفهانی حسین ابن محمد . المفردات فی غریب القرآن. قم : دارالعلم؛1412ق .
 - 2- ابن منظور محمد ابن مکرم . لسان العرب . بیروت : دار صادر 1414ق.
 - 3-القران الکریم ؛ برسم عثمان طه المدینة المنورة: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف. بی تا
 - 4- معرفت محمد هادی؛ تفسیر اهل بیت علیهم السلام . قم موسسه التمهید 1428ق.
 - 5-حسینی محمدرضا ؛ روضه الواعظین . قم : دار الکتب الاسلامیه؛1405ق.
 - 6-آلوسی؛ محمود ابن احمد . كشف النعمه. بیروت دار احیاء التراث العربی.بی تا
 - 7-طبرسی ؛ ابوالفضل . معانی الاخبار. بیروت : دار الفکر ؛ بی تا.
- بالاخانی, [PM 3:02 2/10/2026]
- 8-کلینی؛ محمد ابن یعقوب . الکافی . تصحیح و تحقیق : محمد تقی ابن شیخ عبدالمحمد . کربلا : دار الشریعه 1405ق 8جلد .
 - 9- مجلسی محمد باقر بحار الانوار . قم موسسه الوفاء 1420ق 110 جلد .
 - 10- صدوق ؛ محمد ابن علی . امالی . تصحیح: حسین عبد الحسین قم: دار الکتب الاسلامیه 1415ق.

11- تورات: كتاب مقدس يهوديان .

12- انجيل مقدس

13- بحراني ؛ محمد تقى ؛ تأويل الآيات الظاهرة قم: موسسه المطبع الاسلاميه 1425ق.

14- سبزواری ؛ ميرزا حسين؛ البرهان فى علوم القرآن . قم : موسسه المطبع الاسلاميه ؛ 1422ق.

15- شيرازى ؛ سيد على؛ نور الثقلين . قم : موسسه الاعلميه 1428ق.

16- طباطبایى؛ سيد محمد حسين . تفسير الميزان ؛ تهران : دار الكتب الاسلاميه 1418ق؛ 20 جلد.

17- نراقى محمد تقى ؛ بصائر الدرجات . قم : دار الكتب الاسلامى 1420ق.

18- اربلى ؛ على ابن محمد . كشف الغمه فى معرفة الائمة . قم : دار المكتب الاسلاميه 1425ق.

19- ابن شهر اشوب ؛ محمد ابن على ؛ مناقب الابى طالب . قم : دارالمكتب الاسلامى 1423ق.

20- طبرسى ؛ ابوالفضل . الاحتجاج على اهل اللجاج . قم دار المكتب الاسلامى 1425ق.

21- صدوق ؛ محمد ابن على . الخصال . تصحيح : حسين عبدالحسينى قم : دار الكتب الاسلاميه 1415ق.

ص: 130

- 22- علی ابن ابی طالب علیه السلام نهج البلاغه. تصحیح : سید رضی . قم دارالمکتب الاسلامی 1420ق.
- 23- طبرسی؛ ابوالفضل؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن . قم : دارالمکتب الاسلامی 1425ق 10 جلد.
- 24- مکارم شیرازی؛ ناصر؛ تفسیر نمونه. قم : دارالکتب الاسلامیه 1415ق؛ 25 جلد.
- 25- مغنیه؛ محمد جواد؛ تفسیر الکاشف. قم دارالمکتب الاسلامی 1425ق.
- 26- بخاری؛ محمد ابن اسماعیل . الصحیح من سنن البخاری . تصحیح : محمد زاهد . قم : دار المکتب الاسلامی 1420ق؛ 9 جلد .
- 7- مسلم؛ ابوالحسن . الصحیح من سنن مسلم . تصحیح : محمد محسن . قم : دارالمکتب الاسلامی 1426ق. 4 جلد.
- 28- قمی؛ محمد ابن حسن؛ تفسیر القمی (القران الکریم) . قم : دار المکتب الاسلامی 1422ق.
- 29- قمی؛ عباس . محاسن . تصحیح : محمد برقی . قم : دار الکتب الاسلامیه 1425ق
- 30- صدوق؛ محمد ابن علی . علل الشرایع . تصحیح : حسین عبد الحسینی . قم دار الکتب الاسلامیه 1416ق.
- 31- صدوق؛ محمد ابن علی؛ معانی الاخبار . تصحیح : حسین عبد الحسینی . قم دار الکتب الاسلامیه 1415ق.

- 32- طوسى ؛ محمد ابن الحسن ؛ امالى . تصحيح عبد الحسين شرف الدين . قم : دارالمكتب الاسلامى 1420ق.
- 33- ابى داود؛ سليمان ابن اشعث سنن ابى داود . تصحيح : احمد صلاح . قم : دارالمكتب الاسلامى 1423ق .3جلد.
- 34-بيهقى ؛ احمد ابن حسين ؛ شعب الايمان . بيروت : دارالكتب العلميه . بى تا .8جلد .
- 35- ابن تيميه ؛ تقى الدين احمد . مجمع الفتاوا و الرسائل و القواعد العقيديه . بيروت : دارالكتب العلميه؛ بى تا . 20 جلد.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

